

- ۸ • در افشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۳)
- ۹ • نقدی بر طرح خود مختاری کردستان (۳)
- ۳ • بحران انقلابی و مشی چریکی
- چگونه حزب توده قضیه عضو ساواکی خود را توجیه میکند؟
- ۸ • هفته ای که گذشت
- ۱۲

شورش زحمتکشان تبریز

توده ها بر علیه سرمایه داران و گران فروشان

پیامی خیزند

- قان ورمشوخ آزاد اولاخ، سرمایه دار نابود اولا
- کاخ نشین نابود است، مستضعف پیروز است

منوجه بود. رفته بر علیه سرمایه داران جهست گرفت. مردم خود کامیونهای بار را ضبط کرده و به قیمت ارزان در معرض فروش قرار می دادند. آیت الله مدنی در یک سخنرانی مردم را به آرامش دعوت کرده. گفت هیچکس حق ندارد خودسرانه با گران طبقه در صفحه ۴

از چند روز پیش در شهر سایر شده بود که مردم تهران به بازار حمله کرده اند. روز جمعه، آیت الله مدنی نماینده امام، در خطبه نماز جمعه به گران و گرانفروشی اعتراض می کند. بدنبال این اعتراض، مردم که از گران به تنگ آمده بودند، بحرکت درآمدند. این حرکت خود بخودی که ابتدا بر علیه خرده فروشان

فاشیسم عربیان

گزارشی از تهاجمات روزهای اخیر

توسط سخنگویش شکنی کاملاً ناجوانمردانه ایجاد غشا ش و ... را در روز یکشنبه که توسط عوامل خودش ایجاد گردیده بود، بگردن ظاهر کنندگان و معترضین به حکم خدا انقلابی دادستان انقلاب با لاسی، گذاشت. اما واقعیت چه بود؟ و چه کسانی بهف نظر هر کنندگان حمله بردند؟ حدود ساعت ۶ بعد از ظهر، جمعیت از خیابان ۱۶ آذر و یکی از در های جنوبی دانشگاه وارد خیابان انقلاب (ناهرضا) شد. در این حال برخی از کسانی که دوطرف صف نظر هر کنندگان قرار داشتند شعار مرگ بر کمونیست میدادند و اعلامیه های سازمانهای سیاسی را که پخش بقیه در صفحه ۴

عصر روز یکشنبه بدعوت جبهه دموکراتیک ملی و چند سازمان دیگر راهپیمایی ای در اعتراض به یورش به مطبوعات آزاده و ... انجام شد که بهت حملات از پیش سازماندهی شده ارتجاع بدست بخون کشیده شد. این در حالی بود که بارها و بارها از سوی برگزار کنندگان تظاهرات به دولت و مقامات مسئول راجع به حمله چاقی بدستان و ... هشدار داده شده و خواسته شده بود که دولت حفظ امنیت نظر هر کنندگان را بعهده بگیرد. اما همانطور که انتظار میرفت عوامل ارتجاع در کمال آزادی تظاهرات مسالمت آمیز روز یکشنبه را بخون کشیدند و باز همانطور که انتظار میرفت دولت

۲۸ مرداد

شکستی طبیعی،

تجربه ای

فراموش نشدنی

صفحه ۷۹۶

جنبش کارگری

- بازداشت وابستگان رژیم شاه توسط کارکنان شرکت سد ایران
- کارگران ایران ناسیونال بر علیه آئین نامه انضباطی
- دستگیری سه نماینده کارکنان ایران ترمینال (خرم شهر)
- کارگران جنرال موتورز: «ما چهل ساعت کار در هفته را به دولت تحمیل می کنیم»
- صفحه ۱۲ و ۱۱

چگونه بورژوازی حاکم، دادگاههای

انقلاب را بدست خود گرفته است

در اثر اعمال نفوذ، نیم ساعت تنفس دادگاه هویدا یک ماه ونیم طول کشید!!

"بیش انقلابی" (۱) افراد مورد اطمینان را بر سر دادگاهها نشاند و از آنها محکمه ای جهت تحقیر انقلاب وتوده ها درست کرده است. و امروز در حالیکه هارترین و سرشناس ترین سربرداران رژیم سابق از قفسیل سرهنگ هوشنگ تهرانی رئیس ساواک آذربایجان، پرویز میرزایی رئیس ساواک کرج و ... مثل شاخ شمشاد کز غیاب آنها قدم میزنند و بقیه در صفحه ۹

امروز دیگر خیال بورژوازی حاکم از جانب دادگاههای انقلاب راحت گشته است و افراد کارآموده و حساب پس داده خود را با خاطری آسوده دور خود جمع نموده و یک به یک بر مسند مقامهای مهم و حیاتی در ارتش، ادارات و ... گمارده و می گمارد. آری، بورژوازی دادگاههای انقلاب را از درون تنهی ساخته و پس از اخراج افراد فاسد صلاحیت (۱) وفا قسد

ویژه نامه پیکار

مخصوص فلسطین

را در این هفته بخوانید

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

فاشیسم..

ادامه از صفحه اول
میتد، پاره میگردند. هنگامیکه تعداد زیادی از جمعیت وارد خیابان انقلاب بشود جلو صفبه مقابل درب بزرگ دانشگاه رسیده بودحملات مرنجمن و عوامل مشکوک (که البته عده ای از افرادنا آگاه هم در میانشان شریخوده بودند، افرادی که مزدوران با سو استفاده از احساسات مذهبی شان و با تحریف وقایع برای آنها ، بخدمتشان گرفته بودند.) با جوب، سنگ و بطری به جمعیت تظاهر کننده حمله کرده و آنها را به داخل خیابانهای فرعی عقب راندند. ولی تعداد تظاهر کنندگان بیشتر و عزم آنان را سخ تر از آن بود که باین آسانی ها فلا نژها به اهدافشان که همانا بهم زدن تظاهرات و متفرق کردن جمعیت بودند دست یابند. جمعیت تظاهر کنندگان باینکه تعداد زیادی زخمی داد ولی فوراً بهم پیوست و تراکمش نیست به قبل بر ماتبیشتر شد. و با حرکت یکپارچه و خشمگین خود فلا نژها را که ابله شان (سنگ و بطری) بطور موقت شام شده بود عقب رانده و بطرف چهار راه معقروان گردید. شمار جمعیت در این لحظات " آنگدان " روزنامه آزادگان " - " آنگدان آزاد یادگردد. " سرگ بر ارتجاع ، مرگ بر فاشیسم " بود. اما کمی بالا تر از خیابان آنا تول فرانس مجدداً حملات فلا نژها (که گویا برایشان سنگ و بطری رسیده بود) از سر گرفته شد تعداد زیادی (بویژه از خانها) زخمی بر جای گذاشت که توسط مردم بسرعت به بیمارستانهای مختلف انتقال داده شدند. چاق بدستان بی محابا به مردم حمله میبردند و کسانی را که اعلامیه نارمانهای سیاسی بدست داشتند متروک میگردند و حتی در مواردی کیف زنان بی چادر را باز کرده دنبال کتاب و با روزنامه چسبی میگشتند تا در صورت یافتن ماحش را مورد ضرب و جرح قرار دهند. اما علیرغم همه اینها ، تظاهرات کنندگان براه خود ادامه میدادند و باینکه بارها توسط فلا نژها ها موقوف آنها از هم متلاشی شدولی بعد از مدت کوتاهی نشدند و متراکمتر از پیش به راهپیمایی خود پیوستی نخست وزیری ادامه میداد و سرانجام انبوهی از تظاهر کنندگان خود را به مقابل نخست وزیری رساندند و در میان شلیک نیروهای هوایی ، گاز اشک آور و حملات فلا نژها ها قطعنامه خود را قراش کردند. برخی از شعارهای تظاهرات کنندگان در مقابل نخست وزیری چنین بود: " با زرگان ، با زرگان ، مسئول خون مائی. " ، " با زرگان با زرگان ، همدست ارتجاعی. " ، " سنگ و چماق ، ابله دیگر اثر ندارد. " ، تظاهر کنندگان پس از قراشت قطعنامه در حالیکه داشاً مورد تهاجم فلا نژها که به جوب، سنگ و بطری مسلح بودند، قراش میگردند بطرف دانشگاه در مسیر خیابان پاستور - کارگر براه افتاده. تظاهرات سرانجام در حالیکه ساعتی از شب گذشته بود و مدها نفر زخمی شده بودند، پایان پذیرفت.

آری ، تظاهرات پایان یافته بود با مدها زخمی از طرفین (نیروهای مترقی هم در مواردی به حملات گروه مهاجم بصورت تلافی پاسخ میدادند) و امپریالیسم و عواملش در شیت حاکم لیبرال دیموکراسی مزبور لب داشتند. آنها توانسته بودند تظاهرات سالمت آمیزی را بخون بکشند و با توجه باینکه رادیو تلویزیون و بسیاری از روزنامه ها را در دست دارند به سوجوشی از حاصل " دسترنج " خود اربابان شان برداختند و چنین است که سخنان سخنگوی دولت که سر بر قلب و تحریف است معنی روشنتری پیدا میکند..... اما حملات ارتجاع بدست چاق بدستان ببعاً نا آگاه ، به مراکز نیروهای مترقی و کتابفروشی ها و ... پایان نیافته بود و فردا (روز دوشنبه) تظاهراتی ادامه میافت. برای ارتجاع حمله به آزادی ها و نیروهای مترقی وارد مرحله جدیدی شد. هدف نخستینش نیروهای چپ ، بین نیروهای دگرات خواهد بود. ارتجاع میخواهد با آلودگی حکم برانده ، فاشیسم طاقت بیگونه مخالف و مخالفتی ندارد. اگر می بینیم که اکنون مخالفتی و مخالفتی هست ، یکی بخاطر نیرو و قدرت مخالفان است و دیگر بخاطر ضعف و ظولیت فاشیسم. اما آیا فاشیسم در ایران بدیلوغ خواهد رسید؟ این مساله ایست که ما سخن را باید در آینده دریافت کرد ولی آنچه که مسلم است عملکرد نیروهای انقلابی و مردمی در جلوگیری از رند فاشیسم بسیار تعیین کننده خواهد بود.

کمیت و فلا نژها در تهاجم

پس از حمله فلا نژها به دفتر دانشجویان مبارز و حمله آنها به ستاد دانشیان خلق ما موران کمیت ، داخل ساختمان پیشگام مستقر شدند و روی با مها سنگر بندی

کردند. در حدود ساعت ۱۲/۵ یک دسته فلا نژ به جنوب پیشگام رسیدند ، با رسیدن آنها یک نفر از کمیت چی ها که شخص ریوشی با لباس معمولی بود جلو آمد و گفت : برا دران ، ما موران کمیت در اینجا هستند اینجا در دست خودمان است. ولی وقتی دید فلا نژها توهی نمی کنند ، مدارز : محسن آقا ، محسن آقا و بدنیا آن بکسی از فلا نژها جلو آمد و ما مور کمیت به او گفت : اینجا من و در دست خودمان است ، شما خاطر جمع باشید. یکی از فلا نژها اعتراض کرد که املا تو چاره هستی ، اینها توده ای و کمونیستند. کمیت چی مزبور گفت : اینها توده ای نیستند منم ما مور کمیت، منطقه ۹ هستم. سپس کارش را در آورد و نشان داد. کارته اسم حسین مادی بود مهر کمیت، امام را داشت. سپس محسن آقا به فلا نژ چی ها اعتراض کرده بود گفت " بریم، از خود مونه " و فلا نژها از ساختمان پیشگام دور شدند. دانشجویان پیشگام اظهار می کردند که پس از حمله به

مقارن ساعت ده صبح روز دوشنبه ۵۸/۵/۲۲ گروهی سرگردگی اوباش و لعین های معلوم الحال با شمار (حزب فقط حزب الله) و مسلح به جوب و سنگ و میله - های آهنی ابتدا به دستفروشیهای روبروی دانشگاه حمله کرده و پس از نابود کردن کتب و نشریات آنها به دفتر " دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر " در محوطه اصلی دانشگاه تهران حمله کردند. ارادل و اوباش ابتدا دانشجویان متصدی دفتر را مورد لحاشی قرار داده و مشروب نمودند و سپس کلیه نشریات ، کتب ، آرشیو و پرونده ها را از بین بردند. در این بین وسائل شخصی دانشجویان متعددی دفتر نیز سالم نماندند موجودی صندوق نیز توسط مهاجمان سرقت رفت. (در هنگام حمله ، عده ای از رفقای ما به کلا نتری ۸ و کمیت مربوطاً مراجعه کردند و از آنها خواستند که جلوی حمله مهاجمان را بگیرند، اما افراد کمیت و کلا نتری با بی اعتنائی و سردی پاسخ دادند که بما ربطی ندارد!) . غارت دفتر بیشتر از نیم ساعت طول نکشید و مهاجمین بدستور " رهبری " شان بطرف ستاد " سازمان چریکهای فدائی خلق ایران " روانه شدند و پس از مدتی آنها را نیز بقول خود " تسخیر " نمودند. نمونه حمله به نیروهای انقلابی ، کانونها و اجتماعات آنها را با شعار " کمونیسم نابود کنی- توانیم بکرات در تاریخ مشاهده کنیم. مثلا در زمان

تهاجم

(نوشته رفیقی که خود شاهد هجوم بوده است.)
روز در آغاز خود بود. در اطراف دانشگاه تهران، دستفروش ها بساط کتابهای خود را تازه گسترده بودند. بساط رنگارنگی که سوی آزادی دارد. و یکی از مسدود دستاوردهای حرکت شکوه منداشته و متدخلان ما را به نمایش می گذارد. رندفرونگ را نود می دهد و کشش آرمایهای مقدس را که به برکت آن خلق محروم سرزمین ما، خلق قهرمان ما ، آگاه خواهد شد. ظاهر شدن گروه های آشنائی که با ناک " مرگ بر کمونیست " برداشته بودند، در آن ساعت از روز، همه را متعجب کرد، و در رابطه با اتفاقات روز قبل که بحث بر سر آن در همه جا گسترده بود، احاس شومی را در فضا می برانند. اما مجالی برای مزیمه کردن این احاس نماند. قبل از آنکه حبه در درک در آید، واقعه شوم اتفاق افتاد : خان جمین بعد از تحریک و درهم ریختن بساطی که بسیاری از جوانان می پر مایه، کاشی بود که آذر بساط نداشتند، در حالی که باقی کتابفروشان با عجله بساط خود را بر می چیدند، ب داخل دانشگاه میویش بودند. کاشی که در داخل دانشگاه اینجا و آنجا پراکنده بودند، به طنین غیر عادی و فریاد گونه شعارهای آنان که خبر از حمله می داد، سرانیم در جهت صدا شروع به دویدن کردند. و برخی از آنان که بدرستی تشخیص داده بودند که جهت حرکت کمیت ، مهاجم ، دفتر " دانشجویان مبارز " است ، سعی کردند سریعتر بدون تا آنها را از خطر هجوم ، آگاه کنند. اما فایده ای نکرد. چند لحظه بعد مهاجمین سر رسیدند. فریاد زنان سعی کردند در اطراف خود غرب و حثت برپا کنند. یکی از آنان پیش نهاد کرد که ب داخل دفتر حمله نکنند. باقی هم بطور مفتوشی

دفتر دانشجویان مبارز، رئیس دانشگاه به نخست وزیری تلفن می زند ولی جواب می دهد که کاری از دست ما ساخته نیست. به کمیت تلفن می زند، آنها هم می گویند کاری از دست ما ساخته نیست. بالا غره کمیت: دانشگاه اقدام میکند و ما موران کمیت منطقه ۹ در ساختمان پیشگام مستقر می شوند.

تهاجم، سازماندهی شده بود

در حمله فلا نژها به دفتر دانشجویان مبارز چپزی که کاملاً جلب توجه میکرد این بود که حمله کاملاً سازماندهی شده بود و چند نفری در میان فلا نژها دنبال اسناد و مدارک میگشتند و این کار را با دقت هم انجام میدادند و بالا غره هم آنها اسناد مورد نظر را ضبط کرده با خود بردند. کار این چند نفر که شب ساواکسی داشتند، سوی بقیه بود که فقط تحریک میکردند.

اعلامیه دانشجویان مبارز

دست خون آلود فاشیسم از دانشگاه کوتاه!

هیتر ، فاشیستهای هیترلی تحت لوای غدیت با کمونیسم بود که ابتدا قدرت را در آلمان قبضه کردند و سپس فاشیسم را حاکم گردانیدند. توطئه گران و مرنجمن وابسته به امپریالیسم جهانی تشری وسیع و همه جانبه ای را علیه آزادیخواهان و آزادی شروع کرده اند و در این رهگذر با سکوت دولت که خود دلیلی بر باز گذاشتن دست امپریالیسم و ارتجاع می باشد، روز بروز پنجه غولپشتان را هر چه بیشتر از آستین بدر میاورند. و بالا غره امپریالیسم همیشه در نهایت برای سرکوبنهای مخالفانش به فاشیسم متوسل خواهد شد.

ملت مبارز ایران :
بهبوش با شیم

" بهوش با شیم و در مقابل انحرار طلسی و ارتجاع که روز بروز قویتر میشود مقابله نمائیم. " دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر به همه نیروهای فدا امپریالیست و ارتجاع هشدار میدهند که در مقابل این موج ترور و اختناق ایستادگی کرده و در راه قطع نفوذ کامل امپریالیسم موقوف خود را هر چه بیشتر متشکل نمایند. دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر ۵۸/۵/۲۲

دور خود می چرخیدند. و فریاد می زدند. در این لحظه چند نفر از مهاجمین که با در بسته و روبرو شده بودند ، از در اتاق نگهبانان ب داخل دویدند و وارد دفتر شدند. تنها دو دختر و دو پسر دانشجو داخل اتاق بودند. مهاجمین ب داخل پریدند و بدن دختران دانشجو فرساده زدند. " کمونیستها فاشه اند ! حالا کی جرات داره بگه من کمونیستم ؟!! " . و در بی آن سبل فاش بود که جاری می شد. همراه با فحاشی به پنجره حمله کرده و نور سیمی را پاره نمودند. با چهره های فاتح و مسخ کرده ، نشریات را دسته ، دسته به پاشین پرتاب میکردند و نعره می زدند: " پاره کنید، نگذارید یکی سالم بمونه " فضا بطرز عجیبی آکنده از هیتری " فذ کمونیستی " بود. مهاجمان مانند آدمهای هیستریک ، فحاشی میکردند و کلمات رنگین مثل سیل جاری بود. به اطراف خود حمله میکردند. چاق را در دست می چرخانده و فحش می دادند. بچه های کوچکی که همراهان نبودند، با بیای آنان حرکات شان را تقلید میکردند. معمولیت کودکانه شان به وفا حتی رنج آور تبدیل شده بود. فحاشی کتان ، بر روی نشریات باره شده که زمین را پوئانیده بود ، غلت می زدند و فقیه سر می دادند. آه اگر می دانستند که کمونیستها این نشریات را با خون گرمی که از قلبشان می جوشد و سرریز می شود، نگاهش اند ، قلبی که برای خلق متبید آرزو می دانستند که با چه زحمت و رنج این نوشته ها را بجای برسانیده اند. اما آنجا که جای این سخنها نبود. شامی آرمایشای مقدس ، با رنگین ترین کلمات به مسخره ترین بازی سرگرفته اند. مهاجمان با کمال وقاحت ، به دختران و پسرانی که سعی داشتند اندکی از نشریات را نجات دهند، حمله می بردند. یکی از دخترها تعداد کمی نشریه را به سینیه خود چسباده بود و چون عجزی بخود می نکرد ، وبه عده ای از آنان پیشنهاد که بر سرش بقیه در صفحه ۵

یکی از دوعلل مهم برآمد جنبش توده‌ای را " وجود سازمانهای مسلح بشعرو که با ادامه مبارزه خوددرسلط جامعه به شکستن ترس و خفت توده‌ها کمک کردند " (ص ۹) می دانند ! در چنین دوران توفانی که توده‌های میلیونی هرروز در خیابانها به مبارزه " رودررو " با دولتیان متغول بودند، رفقای فدایی با عملیات تهاجمی فردی خویش می خواستند (البته در ذهن خود) به توده‌ها کمک کنند ، حال آنکه با اعلامیه‌های خود که تنها بر " دیکتاتوری فردی " تأکید داشت عملاً به انحسار لیبرالی جنبش کمک می کردند .

افتاگری نیروهای مبارز از روبرویونیستی حزب توده‌ای و پکت سنگین وقایع روزمره " انقلابی کدلیبرالی بودن و روبرویونیستی بودن " شعار استراتژیک نبوده با دیکتاتوری " را نشان می داد (شعاری که بر اساس آن و قاعدتا باید با سرنگونی شاه تمام نظام سرمایه داری وابسته واژگون میشد و انقلاب وارد مرحله سوسیالیستی می گردید) با لافرفقای فدایی را محصور به تغییر شعار کرد . در آذرماه ۱۳۵۷ فقط یک ماه قبل از آنکه شاه از ایران فرار کند ، رفقا علاوه بر این که به " هراشتی با رژیم خیانت به آرمان مردم است " (بطور غیر مریح و بدون آنکه کسی متوجه شود شعار خود را پس گرفته و بر اهمیت تأکید بر جنبه فدائیت لیبرالی انقلاب ، اعتراض کردند . رفقا علاوه بر این که به اصطلاح " محتوای عملیات تبلیغی خود را تغییر داده و " قد دیکتاتوری " بودن مرحله " انقلاب را رد کردند به شکل " مبارزه خود نیز - باز بهمان نحو غیر مریح - ابرار وارد آورده و در جزوه " وظایف اساسی " (آبان ۵۷) گفتند که : " در شرایط کنونی پیوند سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر را به مثابه وسیله عمده تمام م. ل. های طرفدار جنبش مسلحانه می دانیم " (ص ۱۳) البته بدون آنکه هیچگونه انتقادی از مشی گذشته به عمل آورند و با حتی حریف مریح از رد " مبارزه مسلحانه " به عنوان محور " برزند ! این گزاش چنانچه با نقد مادقانه و انقلابی گذشته همراه می شد ، می توانست راه را برای یک حرکت انقلابی بسط بزرگوارا باز کند . ولی رفقای فدائی که از حرکت ترویج نیزوها و عناصر مبارز وابسته به مشی چریکی ، منجمله توده‌های هوا دار این سازمان به سمت مشی توده‌ای انقلابی بسیم داشتند ، دوباره با " جنگ انداختن به تکه باره‌هایی از هرنوع شعوری " مشی کردند تا " موقع میانی " خود را حفظ کرده و نیروها را بدور خود نگاه دارند . در این مقطع بود که شعار " حاکمیت خلق " بجای شعار به اصطلاح " جبهه آنتا ریشیتی " " جمهوری دموکراتیک خلق " نشانه شد ، به این بیان که : " در مرحله کنونی تنها به تشدید تهاجمات جریان های غیر پرولتری با جنبش کارگری منجر خواهد شد . " (بازهم وظایف اساسی " ۶ و ۵۷) بدین سان رفقای فدائی با بند بازی - های ما هوانه خویش و با طرح شوربها و تهاجمی های من درآوردی ، سعی می کردند تا همچنان موقع " میان دوستدلی " خود را حفظ کنند .

حوادث قیام بهمن ۵۷ و شرکت فعال و انقلابی رفقا در این قیام ، موجب شد که راهی برای گریز از حمل انقلابی تهاجمات درون مشی چریکی و سازمان چریکی گنوده شود . جابرات انقلابی رفقای فدائی در این قیام و حوادث پس از آن ، باعث شد که موج جدیدی از نیروها و عمدتا لایه‌های مختلف روشنفکران بسوی سازمان چریکهای فدائی خلق روی آور شدند . با بهای اجتماعی سازمان چریکهای فدائی پس از قیام وسیع تر شواقتا ر مختلفی از خرده بورژوازی غیر سنی چون کارمندان ، معلمان ، دانش آموزان ، استادان ، مهندسان ، پزشکان و ماحیان مثاغل آزاد و غیر سنی را (مریب نظر از دانشجویان که پایگاه همیشگی آنها بوده اند) در بر گرفت . این نیروی جدید توانست در شرایط فقدان یک نیروی واقعا پرولتری اقشاری از طبقات دیگر را به خصوص در مناطق ملیت های غیر فارسی که در آن زمینه برای رشد سازمانهای انقلابی فراهم است بسوی خود جلب کند .

بحران انقلابی اخیر و قیام بهمن ماه در واقع حتی به سرخست ترین دگما نیستها نادرستی این مشی را نشان داد ، و واضح بود که سازمان چریکهای فدائی نیز نمی توانست در برابر این واقعات تسلیم و انکار - نپذیرد که این مشی را به زیر سوال میکشد ، تا نه خالی کند . اما این بار نیز رفقای فدائی بجای نقد انقلابی گذشته ، به رد ضمنی و غیر مریح آن دست زدند .

در این مورد در شماره آینده بحث خواهیم کرد

مشی چریکی را هم که بدین بن بست رسیده بود در خطر بلعیدن گرفت . در اصطلاح با این موج ، بخشی از سازمان چریکهای فدائی خلق نکست و با " نقد " روبرویونیستی از مشی چریکی بصورت " گروه منشعب " بدامان حزب توده افتاد و در خدمت سوسال امپریالیسم روس درآمد . بخش دیگر نیرو و توان خود را جمع کرد و کوشش نمود تا با " جنگ انداختن به تکه باره‌های از هرنوع شعوری " و " نقد " رفرمیستی از گذشته هویت انقلابی خود را حفظ کند . در آبان ۱۳۵۶ " بهام دانشجو " شماره ۴ درآمد که رد مشی " چپ " رفیق احمدزاده و اعلام غلبه مشی جزئی بر سازمان چریکهای فدائی خلق را در برداشت . رفقای فدائی که تحت تاثیر موج بورژوا لیبرالیستی

بحران انقلابی و مشی چریکی

قرار گرفته و مانند روبرویونیستهای حزب توده‌ای مبارزه خلق را " قد دیکتاتوری " می خواندند ، (و از اینرو در مقام مقایسه با رفیق احمدزاده که مبارزه ایسی مرحله را فد امپریالیستی می دانست در واقع قدمی بزرگ به عقب در جهت انحراف از مارکسیسم لنینیسم بر داشتند) برای اینکه در عین حال " هویت میانی " خود را حفظ کنند و سر عین اینکه تهاجمات را به تاسه روبرویونیستها شاییده میشود از افتادن یکام روبرویونیسم نجات یابند ، در مقابل شعار روبرویونیستی " جبهه واحد قد دیکتاتوری " حزب توده ، شعار " نبرد با دیکتاتوری " خود را اعلام کردند . رفقا در شکل مبارزه مسلحانه خود دست به اطلاع زده و آنرا به اصطلاح " توده‌ای " کردند (طرح " هته‌های سیاسی - صنفی ") ولی محتوای آنرا بکلی از ماهیت فدائ امیر - بالیستی خالی کرده و همدوش بورژوا لیبرالها به مبارزه با دیکتاتوری فردی شاه پرداختند . شعار " نبرد با دیکتاتوری " بشیورگراشی به راست روبرویونیستی رفقای فدائی بود ، شعاری که می بایست در عین حال هویت " مستقل " آنها را نیز حفظ کند .

سال ۵۶ و نیمه ۵۷ نیز سیری شد و رفقای فدائی همچنان بر مواضع دگم خویش پای می نشاندند و به هیچ عنوان حاضر نبودند که به نادرستی این مشی و به عقی - مانده گی خود از توده‌ها اعتراف کنند . آنها حتی در جزوه " جنبش خلق و اپورتونیستی های " در خرداد ۵۷

یکسال زندان برای پختن اعلامیه

سید حسن قاهری نژاد جوان ۱۹ ساله‌ای است که اکنون در زندان خرمشهر دوران محکومیت یکساله‌اش را می گذراند . انجام وی که بهمدار یک " دادگاه " ۱۵ دقیقه‌ای به " نیت " رسیده پختن اعلامیه بوده است ! اعلامیه‌ای که افکار توطئه و جنایت علیه خلق عرب در خوزستان و به ویژه خرمشهر بوده است . مریبان عبدالاسلامی با تأشید حاکم شرع کارگر ۱۹ ساله‌ای را که سر علیه ظلم و بیادگری برخاسته و افکارگری میکند به زندان محکوم میکنند و در همان حال ساواکی ها و جلادانی را که دستشان بخون غلغلیای ستمیده‌ای آلوده است آزاد میکنند . سید حسن که اینک در زندان خرمشهر بسر می برد تا کلاس پنجم دبیرستان درس خوانده است . او پس از ترک تحصیل به کارخانه مایون بزی باس رفته و در آنجا مشغول بکار می شود . رنج و درد طبایف کارگر را که اینک خود نیز جزئی از آن شده بود با یک درکارخانه بیشتر درک می کند . او در ضمن ها و اعتراضهای خلق عرب فعالانه شرکت می کرد و بیکار در هنگام تجمن درکانون خلق عرب دستگیر و بمدت چند روز به زندان درزقول برده میشود ولی حدود یک هفته بعد (حوالی ۱۵ خرداد) به هنگام پختن اعلامیه دستگیر می شود و پس از گذراندن بیش از ۵۰ روز دوره بازجویش محکوم به یکسال زندان شده و به خرمشهر فرستاده می شود . او اکنون باقلسی سرشار از کینه نسبت به نیروهای استعمارگر ، عتقی بی پایان نسبت به زحمتکشان و بخصوص طبقه کارگر و آمیدی به بلندی و سرفرازی گونه داوند نسبت به آینده ، در زندان ضد انقلاب در بند است .

بیای آزادی حسن قاهری نژاد (درخرمشهر) بکوش!

در بحران انقلابی اخیر ، نیروهای مختلف سیاسی دچار قطب بندی شده و به سرعت و بطور اجتناب ناپذیر " راه خود را به سوی طبقه‌ای که به آن مربوطند ، نمایان می سازند " (لنین - " ما خراجوبی انقلابی " ص ۱) تحول انقلابی بنحوی هست که دیگر اجازه نمی دهد روشنفکران بورژوازی که در اثر عدم رشد تهاجمات درون جامعه و استفاده از لقب افشاری " تسبیح در خارجه " بسر مارکسیسم " لم " داده و به لاپوستانی منافع واقعی طبقاتی خویش متغول بودند ، بیش از این چهره خود را بیوشانند و آنها را محصور می سازد که علیرغم میلشان و احساس خالنتان ، نقاب از چهره خود برداشته و عملاً بسوی طبقه‌ای که حامی منافع آنهاست راه بگشایند .

نمونه جالب و مخکاب این امر " پوست انداختن " یک گروه سه جانی می باشد ، که علیرغم آنکه محیط امن خارجه فرصتی بدست داده بود تا " میان دوستدلی " بنشینند ، از به اصطلاح تحلیل انقلابی " شعوری سه جهان " دفاع کند و از برداشت روبرویونیستی آن که توسط برادر بزرگش در عمل پیاده میشد ، تحسیت عنوان " اپورتونیسم راست " خرده گیرد . ماهیت خود را نشان داده و با دادن یک " لیست اشتتالی " با همیمن " اپورتونیستهای راست " برای مجلس خبرگان ، و با انگیزه مشارکت در این مجلس برای حل و فصل مشکلات " حکومت ملی " و تقویت آن ، در عرض مدتی کمتر از دو ماه نقاب خود را عملاً دریده و بصورت مدافع ضد انقلابیون ، بورژوازی بقدرت رسیده و خرده بورژوازی دنباله روی آن ، درآید .

اما در کنار این روشنفکران بورژوا که نقاب مارکسیستی شان دریده شده با دریده میشود ، نیروهای سیاسی دیگری را می بینیم - گزایشانی که سنی سنی عقاید لایه‌های میانی و نامعین روشنفکران را نمایان میسازند " (لنین - همان جا) - که علیرغم تمام تهاجمی که بحران دوساله اخیر ، بر آنها وارد ساخته می گوشتد با " جنگ انداختن به تکه باره‌هایی از هرنوع شعوری " (همانجا - ص ۴) موقع میانی خویش را حفظ کرده و از منافع اقشار تحت فشاری که بدان متعلقند دفاع نمایند . مجاهدین خلق ، نماینده مذهبی چنین گزایشی و چریکهای فدائی خلق نماینده مارکسیستی آن است .

مشی چریکی از آغاز دچار تهاجمات و تناقضات لاینحلی بود که جز با " نقد انقلابی " و " رد " قاطع آن نشیست از حل این تناقضات برآمد . اما سازمان چریک - های فدائی خلق در این رابطه چه کرد ؟ رفیق احمدزاده از قول رژی دیرو می گفت : " نیروی چریکی تهاجم حزب است ، چریک خود حزب است " (" مبارزه مسلحانه - هم استراتژی و هم تاکتیک ") هنگامیکه مشی چریکی در سالهای ۲۹ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ محک خور - بار و محکوم به شکست درستی یا نادرستی این شعوری را در " تبلیغ مسلحانه " فد امپریالیستی " در میان هر قشر و طبقه " آرزود ، و تنها توانسته جلب بخشی از روشنفکران ناآل آید ، بجای آنکه " بهنگام ملان مبارزه مسلحانه بیشتر " به نقد انقلابی از این - شعوری نشسته و بدین وسیله با شکو تهاجمات حاد شده سازمان خود گردند ، برعکس دست به ترمیم (رفرمیستی) آن زده و با خلعت " حمایت گرانده " بنشیند به عملیات مسلحانه خود در رابطه با طبقه کارگر کوشیده تا از زیر نقاب جا خالی کنند : " با اعدام فاتح ، سازمان ما عملاً حرکت خود را در جهت حمایت از جنبش کارگری اعلام نمود . " (اعلامیه توفیخی اعدام فاتح - سیفخا) بدین سان " نقد " رفرمیستی مشی چریکی با به گرفت و در نوشته‌های رفیق جزئی بشیور خود را یافت . شعوری بسیم توده‌ها جز از راه صلاح ممکن نیست " (احمدزاده) ترمیم شد و با شعوری " هته‌های سیاسی - صنفی " (جزئی) آذین گشت . از به اصطلاح اپورتونیسم چپ که میبایست " تدارک انقلاب " و خود " انقلاب " فرقی نمی گسذارد " انتقاد " شد و گفته شد که : " مبارزه مسلحانه ترکیبی است از اشکال مسالمت آمیز و نظامی مبارزه که شکل نظامی نقش مجوری و عمده را در آن بهیضه دارد " (" نبرد با دیکتاتوری " ص ۷۶) ، و از اینرو باید به اشکال دیگر مبارزه نیز توجه نمود .

سالهای خویش ۵۴ و ۵۵ با رادیکر شکست تهاجمیهای چریکی را در عمل نشان داد . اما سال ۵۵ که سال " مرگ استراتژیک " مشی چریکی معروف شده ، سال تولد جنبش زویه اعتلای توده‌ای و همزاد آن " موج بورژوا لیبرالی " بود . بورژوا لیبرالها که برخاستن جنبش توده‌ای را حس کرده بودند از خواب بیدار شده و بصورت مدد جاره جویی برآمدند تا بهر نحو ده نظام موجود را از سقوط نجات دهند . این موج گنداب مناسی نیز برای رشد علف هرزه‌های روبرویونیسم بوجود آورد و

شورش...

ادامه از صفحه اول

فروشی به مبارزه برخیزد و در غیر این صورت خلاصگران مفسد فی الارض شناخته میشوند. وی ضمناً از بازارها خواست که گرانفروشی نکنند. مدتی سرانجام سخنرانی خود را با شعار "مرگ بر دشمنان، مرگ بر کمونیست" به پایان رساند. پیروزمند ۶۰ ساله‌ای که از سخنان آیت الله مدنی برآفته بود، گفت: "مرگ بر کمونیست دردی را دوا نمی‌کند. باید پیدا نمی‌شود، هیچی پیدا نمی‌شود... که با اعتراض‌شدید یکی از بازار - بان روبرو شد.

ساعت ۱۰ صبح روز شنبه، ظاهر کنندگان که با یک تعدادشان به ۱۵۰ نفر می‌رسد با شعار "گرانفروشان اعدام باید گردند" عازم استانداری میشوند. مردم استاندار را تهدید می‌کنند که اگر قیمت میوه پائین نیاید، میدان تره‌بار را آتش خواهند زد. آنها سپس دو کامیون خردوانه ضبط‌شده را به قیمت گیلوئی ۵۰۰ ریال در معرض فروش می‌گذارند. در عین حال ظاهر هرات درگوشه و کنار شهر در دسته‌های ۲۰ نفری ادامه پیدا می‌کند.

ظاهر کنندگان که اکثراً از زحمتکشان بودند با شعار "اسلام پیروز است، سرمایه‌دار نابود است" همچنان تا نیمه‌های شب ادامه می‌یابد.

صبح روز یکشنبه ظاهر کنندگان در میدان تره‌بار جمع شده و با شعار "اسلام پیروز است، سرمایه‌داران - بود است" به انبار روغن نباتی حمله می‌برند و سپس در خیابان دارایی برای می‌افتند. در این میان گروهی در حدود ۲۰۰ نفر در مقابل ظاهر کنندگان به طرفداری از بازارها با شعار "اسلام - روز است، کمونیست نابود است" ظاهر میشوند. دسته دیگری که از ماورین کمیت شماره ۷ نیز در میان آنها دیده میشدند سعی میکنند با شعار "بگفت امام خمینی - نظرات حرام است" شعار نظر هراتکندگان را عوض نما - بند. در این میان یکی از ظاهر کنندگان لباس یک روحانی را که به آنها "وحشی" خطاب کرده بود، گرفته و با خشم میگفت: "من وحشی نیستم، ملیه گراسی مبارزه می‌کنم. ما مردم بیعت نداشتن غذای کافی مریض شده و اکنون در بیمارستان بستری است."

زحمتکشان و سرمایه‌داران رو در روی هم

نظرات به موضوع بحث جمع‌های ده بیست نفری تبدیل شده بود که در گوشت و کنار خیابانها گردآمده بودند. اکثریت با موافقین اعمال ظاهر کنندگان بود که بیشتر از کارگران، بیکاران، دانش‌آموزان و... تشکیل میشد. یک بازاریان و وابستگان کمیت‌ها معتقد بودند که این کارها طوطی است و در جهت ضد انقلاب - مردم با قاطعیت جوابشان را می‌دادند و گوششان به هاکار حرف‌های که می‌گفتند "اگر نخوری چه میشه؟" نبود، جمعیت زیادتر میشد یعنی ها افتکاری می‌کردند، از بیکاری، گراسی و دولت صحبت میشد عده‌ای علت گراسی را فقر میدادند و سرمایه‌داران را افسا - می - کردند به فکر غارت که در بعضی از زحمتکشان موجود داشت و با حمله به خرده‌فروشان و چرخ داران مخالفت می - کردند و می‌گفتند که باید انبارهای محتکرین ضبط و بوسیله خود مردم با قیمت ارزان فروخته شوند.

درجای یکی از کارگران فریاد میزد وقتی کنار می‌خواهم دشمنان را می‌گیرند میبرند کمیت و بعد از کمک می‌گویند اینهم کاری که میخواستی! - یکسی از سرمایه‌داران می‌گفت مردم به ضد انقلابیون و کمونیستها فرستند عده‌ای که می‌گفتند دارند برونه مغازه‌هایشان را باز کنند وگرنه به اسلام خیانت کرده‌اند. که یکی از کارگران فریاد زد آنهاش که مغازه ندارند باید از گرسنگی میمیرند؟ که چند نفری جمع شده میخواهند بهر ترتیبی نه او را دور کنند آنها می‌گفتند تا حالا هرکجا کار میکردی هر هانجا (!) یک نفر گفت: آقا کمونیست هستند که کارگر جوانی پاخ داد: خوب چاهم را تقسیم کرده‌اید. آری گرسنه‌ها هستند ان کمونیست هستند. عده‌ای از کارگران بعد از بلند می‌گفتند باید این سرمایه‌دارها را نابود کنیم.

کمیته‌ها در خدمت چه کسانی هستند؟

در همین حین کمیته‌های ملیح سررسیدند، دستور می‌دادند که مردم متفرق شوند. یکی از مردم گفت با این گراسی نمی‌شود زندگی کرد. او را گرفتند و موقعی که میخواهند از میان جمعیت بیرون بکنند پسر جوانی اعتراض کرد او را هم گرفته سوار ماشین کردند به همراه دو نفر دیگر بودند بعد از مدتی دو نفر دیگر

را نیز دستگیر کردند. عده‌ای گفتند نباید گذاشت آنها را ببرند باید جلوتان را گرفت. با رسوم که کمیته‌های یک نفر دیگر را گرفته اعتراض مردم بلند شد و جلو ماشین را گرفته و بالاخره او را آزاد کردند سپس مردم با شعار "اسلام پیروز است، سرمایه‌دار نابود است" به طرف کمیت شماره ۶ حرکت کردند. در مقابل کمیت با شعار "با مرگ آزادی" خواستار آزادی دستگیر شدگان شدند. حدود ۵ دقیقه نگذشته بود که یک نفر را آزاد کردند. او گفت مرا زده‌اند که فریادمرگ برکمیت، و بهیز کمیت آهسته میروخ والسلام (ما کمیت نمی‌خواهیم والسلام)، همه جا را گرفت. جمعیت خشمگین و با شعار مرگ بر کمیت بدون کمیت سرازیر شدند. هنگامیکه زندانیان را آزاد می‌کردند، یکی از زندانیان آزاد شده جای طوم را روی بدنش نشان جداد. جمعیت در مقابل افراد مطلع کمیت، انا قهای کمیت را بازرسی کردند که کسی نمادند. وقتی مردم از محل کمیت بیرون می‌آمدند عده‌ای با شعار "مرگ بر کمونیست" وارد کمیت شدند. و ما موران کمیت نیز دل و جرات پیدا کرده با مردم دست به یقه شدند و در حالیکه فتنه‌گهان را بالا می‌برند شمارهای ضد کمونیستی را با فالانژها تکرار می‌کردند. آنها یک نفر را گرفته و یکی دیگر را شدیداً کتک زدند و یکی از ماورین شروع به تیراندازی هوایی کرد. فالانژها شایع کردند که کمونیستها می‌خواهند اسلحه‌ها را مصادره کنند!

در حدود ساعت ۱۲ یکی از دستگیرشدگان را که سر اثر کتک زخمی شده و سروروشی‌ورم کرده بود روی دست بلند کرده بطرف چهارراه متحدين حرکت کردند. جمعیت شعار می‌دادند "ایستند سند جنایت کمیت" یا "کمیت حامی سرمایه‌دار" تعداد ظاهر کنندگان به ۳۵۰ - ۴۰۰ نفر می‌رسید. گروه دیگری که تعدادشان در حدود ۵۰۰ نفر بود با شعار "اسلام پیروز است، کمونیسم نابود است" با فاعله از هندیکر حرکت می‌کردند. فالانژها سعی می‌کردند شعار "مرگ بر سرمایه‌دار" را به "مرگ بر کمونیست" برگردانند. اگر کسی به ظاهر کنندگان می‌گفت شما ضد انقلابید آنها کف دست خود را نشان داده می‌گفتند کارگرم. با - بیسر استروخ آزاد اولخ، سرمایه‌دار نابودا! (ما می - خواهم آزاد شویم، سرمایه‌دار نابود شود) ظاهر - کنندگان بعد از مدتی راهیماشی در میدان دانش‌سرا پراکنده شدند.

زحمتکشان فاصله طبقاتی را به رخ می‌کشند.

بعد از ظهر دسته دیگری در خیابانهای شهر حرکت درآمده و بطرف کوی ولی عمر حرکت کردند. کوی ولی عمر از محله‌های اعیان نشین شهر است. ظاهر هرات با شرکت عده زیاد و نظمی خاص تا نیمه‌های شب ادامه داشت. شمارها کاملاً ضد سرمایه‌داری بود:

قال ورمشوخ آزاد اولخ سرمایه‌دار نابود اول (خون داده‌ایم آزاد شویم سرمایه‌دار نابود شود) اسلام پیروز است سرمایه‌دار نابود است امروز اخطار فرود آتش بعد از شام نوبت سرمایه‌دار حقیق‌مزدن گشمروخ دوتیا گروبریران اولا ریشه سرمایه‌دار از دم بکر ویران اولا (از حمان نمی‌گذریم حتی اگر دنیا ویران شود) ریشه سرمایه‌دار از دم بکر ویران شود (سرمایه‌دار مزدور اعدام باید گردد کاج نشین نابود است مستضعف پیروز است مستضعف قالیچین سرمایه‌دار اولسون (مستضعف بماند سرمایه‌دار بمیرد)

ظاهر هرات خشم آکین شده‌های زحمتکشان در شیربزمرد گراسی و سوز بهز علیه سرمایه‌داری نشان می‌داد که خواست توده‌ها تا چه حد از تحولات هیئت حاکمه فاعله دارد. آنها با این اقدامات انقلابی ارزانی را بشهر ارمغان آوردند. زحمتکشان اسامی شایع برای اولین بار مزه هندوانه و میوه را چشیدند. عناصر آگاه با افشاگرهای خود و کار آگاهران بهرستی کوشیدند علت گراسی را در جریان حرکت توده‌ها روشن سازند و همچنین ایده غارت را به معادله و فروش مستقیم تبدیل نمایند. در مقابل، عوامل دولت، سرمایه‌داران و حامیان آنها و مرتجعین سعی کردند با تفرقه‌اندازی بین مردم با شمارهای ضد طبقه در صفحه ۹

ادامه از صفحه ۷ ۲۸ مرداد...

شرعی احمیتی بیش از فتوا دارد و پذیرفتن آن برهنگان واجب است) و با آیت الله طالقانی که همواره نیروهای ضد امپریالیست همدا بود.

در چنین شرایطی کودکان با وقوع می‌پیوندند...

کودتای ۲۸ مرداد در نتیجه توطئه مشترک آمریکا و انگلیس و دربار، در شرایطی که جنبش ملی و ضد امپریالیستی مردم ایران از ضعیفی اناسی رنج میبرد، موفق شد که جنبش خلق را سرکوب کند. در این مقاله فرصت آوردن همه چربانان به تفصیل نیست چرا که خود کتابهای متعددی را در بر میگیرد و تحلیل آنها کاری آسان نیست. در بسیاری جهات هنوز به انجام نرسیده است. اما آنچه در این مختصر میتوان بدان اشاره کرد درسهای گرانمایی است که از آن فاعله دردناک می - توان گرفت.

هم‌اکنون جنبش ضد امپریالیستی خلفای قهرمان ما، پس از واژگون کردن رژیم سلطنتی، و وارد آوردن ضربات سخت بر پیکر امپریالیسم، با شرایطی روبروست که اگر با هشیار کامل با آن برخورد نکنیم، اگر امکانات و آمادگیهای لازم برای مقابله با توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی را هرچه سریعتر و قاطعتر فراهم نکنیم امکان دارد (و این امکان بسیار زیاده است) که دستاوردهای مبارزات توده‌های ملی با لاهی اخیر از کف بیرون. الان همچون گذشته، امپریالیسم و ارتجاع وابسته بدان زخم خوردند و مددند که مجدداً شرایط را به نفع خود به عقب برگردانند. هم‌اکنون قدرت در دست طبقه کارگر و هم پیمانان او بلکه در دست بورژوازی و همدستان اوست که بر اساس ماهیت سازشکارانه خود در مقابل طبقه کارگر و دیگر زحمت - کشان قرار می‌گیرند و روز به روز پیوندهای ست‌شده با امپریالیسم را مستحکمتر میکنند. نمونه‌های فراوانی را در ارتش و بویژه در روابط اقتصادی شاهدیم که - هیئت حاکمه چقدر می‌کوشد با لطافت و با - توجیهات گوناگون دوباره کشور ما را که در نتیجه مبارزه توده‌ها می‌رفت از بند وابستگی رها شود، به اشکال دیگری وابسته سازد. تزلزل و عدم قاطعیت بورژوازی جاکم در سرکوب نیروهای ضد انقلاب و عمال وابسته با رژیم گذشته، و بالکن گراسی هرچه شدیدتر هیئت حاکم برای اعمال هرچه بی‌پروا تر سیاستهای ضد انقلابی علیه زحمتکشان و خواستای آنان و مبارزه سرخستانه با نیروهای مترقی و به ویژه مارکسیستها با استفاده از جهالت و ناآگاهی عامه که خود زاده‌مالیان درازا کمیت ضد انقلاب و دیکتاتوری بورژوازی وابسته است و با دادن زدن به توهانات ضد کمونیستی و... نشانه‌های خطرناکی است که انقلاب را در معرض شکست قرار می‌دهد. باید چنین گراسیها را - که به صورت سیاست سازشکارانه رژیم درآمده - برای توده‌ها افشا کرد، باید سیاست مساوات در برابر امپریالیسم و ارتجاع و نقابای رژیم گذشته را افشا نمود و حقیقت را به توده‌ها نشان داد. باید سیاست انحطاط طلبانه و آزادی - کشی و براه انداختن اختلاف را هرچه بیشتر افشا و طرد کرد. باید نسبت به توطئه‌های امپریالیسم که این بار مسلماً با چهره‌های دیگر و شیوه‌های دیگر به میدان آمده است هشیارانه برخورد کرد و آمادگی دفاع از دست - آوردهای انقلاب را در اشکال و شیوه‌های گوناگون داشت باید توجه داشت که دشمن این بار بیشتر در قالب درست عمل می‌کند و از این طریق می‌کوشد حال که در نتیجه مبارزات خلق از در بیرون شده است از پنجره داخل شود. باید گراسی‌های دنیا به روانه و اپورتونیستی درون جنبش را قاطعانه افشا کرد و مجال آن را نداد که اپورتونیسم بار دیگر بتواند توده‌ها را فریب داده بدنبال خود بکشد. باید با سازماندهی طبقه کارگر و ایجاد حزب پیش از آن که بدون آن در شرایط حاضر پیروزی انقلاب دموکراتیک امکان پذیر نیست و برخورد مادافانه با اعضایی که جنبش کمونیستی بدان میللات تشکیلات و سازمانی واحد پدید آورد که بتواند در اشکال مختلف با مقابله با تاجم و وحشیانه و چند جانبه ارتجاع و امپریالیسم را داشته باشد. تخاصمی که هم‌اکنون نیز با ایجاد تفرقه در صفوف خلق، با منحرف کردن افغان عمومی از دشمن اصلی که همان امپریالیسم آمریکاست با تزویر عقیده و بیان با حمله به دفا تر انقلابیون و فریب و شتم آنها و تزویر آنها و... در جریان است. آری، درسهای تجربه ۲۸ مرداد را باید آموخت هرچه عمیق تر فهمید و تحلیل کرد و در بین توده‌ها و نیروهای خلق تبلیغ نمود که گفته‌اند "عاقل از بسک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود!"

ادامه از صفحه اول
قاء قاء به ریش نهادهای ما می خندند و با بر مسند ریاست امور مهم مملکتی تکیه زده اند ، دادگاههای انقلاب ، آب و تاب به محاکمه و اعدام اشرف چهارچشم ، ثریا ترک ، فاطی کلفه و ... زنان بدکاره ای که در نهایت قربانیان نظام فاسد سرمایه داری هستند ، منقلبند . اما بورژوازی تا رسیدن به این مرحله که بپوشد خود را شکافته و آشکارا و بی پرده به انقلاب پیورش برده ، یک مرحله تمام و کمال از اعمال نفوذها ، توصیه ها ، تهدیدها و چوبلای چرخ دادگاههای انقلاب گذاردن ها را پشت سر گذارده است و این همه انجام گرفته تا دانه تلقات که شرایط انقلابی بعد از قیام ناکزیرش ساخته بود ، به حداقل ممکن رسانیده شود .

و امروز با زیربان ، ناموران تحقیق و قضاوت سابق دادگاههای انقلاب که بنانه تشخیص بورژوازی فاسد ملاحظیت و قاعد بپشت انقلابی لابد اسلامی بوده اند و به همین جهت محترمانه عدالتان خواسته شده است ، پرده از روی این تلاشی ها خشکی نا پذیر دوران دگرذیسی بورژوازی برمی دارند .

آنان درمناحیه مطبوعاتی خود ثبات عانه جنبین میگویند : " اعمال نفوذ بدو صورت بود . یکی از طریق توصیه ها و دیگری مخالفت مستقیم در صدور حکم دادگاهی که درباره توصیه یعنی از رویا کیتمتا و بعضی از محبتین معروف و مقامات دولتی اداره زندان و بالاصرفه شخصتهای معروف که تمام این توصیهها درپروندهها موجود است . یکی از افراد غیر مسئول در زندان و دادرا درباره احکام اعدام صادره توصیهها داشت و حتی صدور حکم دادگاه سرشیبانی را یک هفته به تاخیر انداخت ... در محاکمه اول هویدا نیم ساعت تلفات اعلام شد ولی این نیم ساعت یک ماه و نیم طول کشید و علت تاخیر تشکیل دادگاهها اعمال نفوذ گروه فشار بود ... نماینده شورای انقلاب (با اعدام ها) موافق نبود و همه در این رابطه برای جلوگیری از کسار دادگاهها طرحهایی ارائه دادند " که حاصل این خلاصیت و بکار انداختن مغزهای پژوهش (!) این بود که " یک روز صبر در حالیکه مسئول کارا بودیم ، اعلامیه هاسی به دیوار نصب کرده و ضمن تشکر از زحمات ما خوانده بودند که پروندهها را تحویل دهید (ا با اعدام مرداد) بدون تک بورژوازی در ادامه سیر منطقی خویش در آیدند نه چندان دور اختی این دادگاهها میان تیشی را نیز تحمل نخواهد کرد ، چرا که او تنفر آشکار خود را از هرچه ناشای از انقلاب ، و مقابلهت تودهها دارد ، مدتهاست که اعلام نموده است .

آری ، بورژوازی در طول دوران بعد از قیام تمام هم و غم خود را بر این نهاده است که گاج شرک برداشته سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را ترمیم کند و راه را هرچه زودتر برای جذب سرمایه داری غربیهای مورد نظر امپریالیسم آمریکا باز کند . او در این راه با سرعت و پشتکاری عجیب و سرعت طوفان هرچه که انقلابیست می رود و از جنین می برد با این پشتگیری که بسیاری از تودهها در مورد وی دچار توهم هستند . اما اگر بسیاری از تودهها در لحظه حاضر و با توجه به سطح آگاهی سیاسی شان ، قادر به درک عمق فاجعه نبوده ، و آثرا باور نمی کنند ، اما جریان زندگی تودهها را بیدار خواهد ساخت . بگذار بورژوازی دست در دست سرپرستان امپریالیسم و پاسداران سینه چاک او ، با یکویی کند و کانون خانواده امپریالیسم را با خوش رقصی های خود گرم تر نماید .

هیچکس بهتر از خود بورژوازی ما بهیت واقعی او را در پیشگاه تودهها افشاء نخواهد کرد .

حتی یکی از کتابفروشیها در فاصله صد متری کلانتری قرار دارد . دیگر کتابفروشیهای مرفقی در این شهر نیز تهدید شده اند و تا به حال از طرف مقامات مسئول هیچگونه اقدامی برای جلوگیری از این حرکات ضد آزادی صورت نگرفته است .

باید به این مترجمین و بیرون ناگاه آنها یادآوری کرد که جریان تاریخ تا بحال ثابت کرده است که با انجام این حرکات فاشیستی و ضد مردمی به پیچیده نمی توان جلوی نشر عقاید آزادی خواهانه و مترقیانه را در میان مردم گرفت . اگر رژیم شاه جلاد تمام خونخواری و ددمنشی خود توانست جلوی افکار مرفقی را بگیرد ، این مترجمین کون نیز در رسیدن به هدفشان که همانا نگهداشتن توده ها در جهل و بی خبری است ، موفق خواهند شد .

بانگ (الله اکبر " که آشوب راجتی با کثیف ترس کلمات تکرار می کردند به ست دفتر دانشجویان بهنگام حرکت کردند ، برافروخته و خست از هجانات عصبی ، سرشان را زیر شیر آب گرفته و بدون واهمه از روزه خواری در تلاطم ، آب می نوشیدند ! در این فاصله دانشجویان بهنگام و مردم حاضر در آنجا متشکل شده و مصمم بودند که اجازه هتاج ندهند . پاسداران نیز با تفنگهای خود سر رسیدند . معلوم نبود میخواهند از چه چیز پاسداری کنند ؟ شاید از گروه مهاجم ، در قبال مردمی که سخت خشکین شده بودند ! و چه تلخ بود ، دیدن پاسداران که کیف دختران را می گشتند ، بدنبال چه بودند ؟ کیفهایی که پناهگاه چند عدد نشیروای بود که از حمله مهاجمان در امان مانده بود . مهاجمین پیروزمندانه راه را برای پاسداران می گشودند . بکسی از آنها چند نفر را در اطراف خویش جمع کرده بود برایان بگوید که بطور خود دانشجویان این کارها را کرده اند ! آنان را بگردن (اسلامی ها !) میاندازدند ! اینجا و آنجا بحث برافه افتاده بود و چه دروغهایی شاخه داری که مهاجمین نمی گفتند . خبر رسید که ستاد "جبهه فدائی خلق " را هم (تصرف) کرده اند . و چه پیروزمندانه ! چاق بدستها مستاز پیروزی در خیابان بالا و پایین می رفتند و رو بسوی جماعتی که نگران بود و از درگیری احتراز می نمود ، نفس کشش می طلبیدند ، و هر از گاهی با شمارهای " حزب فکس حزب الله " و " مرگ بر کمونیست " مستجمعیتی که جلوی دفتر دانشجویان بهنگام را سد کرده بودند هجوم می بردند . دخترها را به وقیانه ترین شکل می آزدند و در هر حمله عده ای کتک می خوردند . بی جرمتی بر همه جا مسلط شده بود . ففا از توهین برانسان ، رشترار بود . اینسو و آنسو ، نشریات تیاره شده بر زمین ریخته بود . تصویر دستهای بهم گره خورده ، ستاره سبز ، و مشت کارگر که بهم پیچیده است . و فردا ، آری فردا ، برافرشته خواهد شد .

سردسته جانیکاران گارد دانشگاه را آزاد کردند!

شهرک پیروز غفاری رئیس گارد دانشگاه تهران که بعد از قیام توسط ناموران کمیتہ دستگیر شده بود چند روز پیش سلامت اینکه مدارک کافی برای متهم کردن وی وجود ندارد آزاد شد ! یکی از وقایعی که در دوره ریاست جناب غفاری اتفاق افتاده است و آنقدر گویاست که احتیاج به دلیل و مدرک و سند ... ندارد ، واقعه حمله گاردیهایی مزدور به خوابگاه دختران است . در خرداد ماه سال گذشته ، رژیم شاه بخاطر جلوگیری از برپائی نظرات و اعتصاب بنسایت ۱۵ خرداد توسط دانشجویان دست به توطئه ای زده و در صد بود که دانشگاه خوابگاه را ببندد . و در همین رابطه به خوابگاه دختران حمله برده و آنها را مورد ضرب و جرح قرار داده بسود . دانشجویان بخاطر اعتراض به این مسئله از دکتر گلرخ شرفی رئیس خوابگاه ، و رئیس سابق دانشکده پزشکی دعوت نمودند که در جلسه دانشجویان حاضر شد و اعتراض به این موضوع باعث شد که دانشجویان دست به نظرات و اعتصاب بزنند و ادامه این اعتراضات منجر به حمله و هجوم گاردیهایی وحشی به خوابگاه دانشجویان شد و به زخمی شدن عده ای دانشجو منتهی گشت که مدتی در بیمار -

ریخته بودند و با آزار دادن او سعی داشتند نشریات را پس بگیرند . بانگ در چشم می گفت : اینها را نمی دهم شما ها نمی فهمید چه می کنید ... و مهاجمین که با بافتن آوری و روبرو شدند ، با چند فحش رکبک ، راهپیش کردند . حرکاتشان سخت ترسند بود . اینسو و آنسو ، بیچاره ها ، که چهره شان و حرکاتشان حکایت از محیط های عقب مانده و فقر زده ای می کرد که در آن رشد یافته بودند ، زنده ترین تجسم کثافت جامعه سرمایه داری بودند . تمامی ابعاد کمپنیزم تجسم مادی یافته بود . و چه رنجی داشت ضاای آن . و دردناک تر از آن دیدن برخی کسان بود که با ضاای این مناظر تفریح می کردند . انگار این مناظر غیر انسانی ، احساسات بیمارگونه شان را که خود زاشیده فرهنگ منطقی است که امپریا - لیستهای کثیف و غارتگر ، سالیات بر جامعه ما تحمیل کرده اند ، تحریک می کرد .

و جمعیت بهت زده ، بیغ کرده ، به باران نشریاتی که بر سرشان می بارید و در هواچند تکه میشد می - نگریستند . و عکس العمل نشان نمیدادند . احساس می کردند ، و می دانستند که درگیری به ملاح نیست ، و تازه درست که فکر می کردی شتم ، نه بسوی آنان که این چنین بی خبرانه و وقیانه ، ناگهانی و انحطاط و ران منگن می نمودند ، بلکه بسوی ارتجاعی زبانه می کشید که ایشان را التماس دست خویش ساخته است . ارتجاع عقب نگری که دست در دست امپریالیسم بر علیه انقلاب پیروز می کشد . و از این بدبختان سیرم روز باری می گیرد . و این بیچارگان بر نشریات تیاره شده که بر زمین چور فرشی گسترده بود ، رفمان بودند و هبتریک وار به آنچه که تالم مانده بود هجوم می - بردند ... تا به ندای رهبران شان که برخی چهره شان را با پارچه پوئانیده بودند ، باز متشکل شدند و با

وقتی کتابها را می سوزانند، انسانها را هم بزودی خواهند سوزاند

نصب می کنند و اهالی را تهدید می کنند که نباید این مقواها را پائین بیاورید . جالب توجه است که با وجود تهدید و ارعاب مردم از طرف کمیتہ ، صاحب کتابفروشی مقوای مزبور را پائین می کشد و زیر آن چنین مینویسد : " وقتی کتابها را می سوزانند ، انسانها را هم بزودی خواهند سوزاند . "

" کتابسوزان " و " کال سوزان "

بر کلیه مترجمین و عناصر ضد انقلاب مبارک باد

قهرمانشهر (کرمانشاه سابق)

۵۸/۵/۱۵

در هفته گذشته در قهرمانشهر پنج کتابفروشی به نامهای " صد " ، " نما " ، " ارس " ، " پژاک " و " بیستون " در نیمه شب به آتش کشیده شدند . جالب اینجاست که حرکت در شهر در شب بدو بازرسی کمیتہ ها امکان پذیر نیست .

بار دیگر دست مترجمین از آستین بیرون آمد و در گوشه دیگری از این مرز و بوم نقش انحصار طلبانه و ضد مردمی ، خود را به نمایش گذاشت .

در ساعت ۱۱ شب پنجشنبه ۵۸/۵/۱۱ کتابفروشی " راه کارگر " واقع در فکله ۱۷ شهریور در شوشتر توسط عمار مترجمین به آتش کشیده می شود . در همین هنگام یکی از اهالی محل پس از مشاهده آتش ، جریان را به آتش نشانی خبر می دهد و آنها آتش را خاموش میکنند . روز بعد ، صاحب کتابفروشی در نمازه را بازی می گذارت تا آثار آن آتش سوزی شوم را در معرض دید مردم قرار دهد . پس از اجتماع مردم در آنجا ، هر کدام بنوعی این عمل وحشیانه و انحمار طلبانه را شدیداً محکوم می - کنند و انزجار خود را نسبت به جریان این طرح فاشیستی ابراز می دارند . در این میان بعضی از افراد کمیتہ بر روی مقوایی جریان آتش زدن کتابفروشی را می نویسند و آن را به نیروهای مرفقی و جبهی نسبت می دهند و بر سر در کتابفروشی سوخته و نیز خانه یکی از افراد مبارز محل

۲۸ مرداد در پیش است و خاطره شکست جنبش فدائیان ملیست. جنبش ملی ایران که پس از جنگ جهانی دوم و سقوط دیکتاتور سیهام رفاغیانی بدست پیروزان و گویان و سرانجام به رهبری مصدق، موفق به خلق یک دولت از شرکت فاسد نفوذ ایران و انگلیس و استیفاء حقوق حقه ملت ایران در این زمینه، و تا مین نسبی استقلال اقتصادی و سیاسی کشور گردید، در ۲۸ مرداد ۲۲ سرکوب شد. این ناکامی که بدستال خود شکست و عقب‌گردهای زیادی را بهار آورد و سبب انباشتن مثال مینوان از ملطه مجدد امپریالیسم بر ثروت عظیم نفتی کشور و انباشت قرار داد کنسرسیوم (۱۳۳۴)، ورود به پیمان بغداد (که بعداً ستون نامیده شد)، سرکوب شدید آزادیخواهان و نیروهای انقلابی و سلب کلیشه دستاوردهای دموکراتیک دوران گذشته، ایجاد باس و عدم اعتماد در صفوف وسیع مردم، برقراری روابط مجدد با اسرائیل (که در زمان مدتی شناسایی دولت اسرائیل نسبت به آن پس گرفته شده بود)، سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۲۲، افتادن کشور به زیر یوغ سنگین و امپریالیسم - گذارهای خارجی و وابسته شدن هرچه بیشتر کشور به اقتصاد امپریالیستی، گسترش روزافزون ملیتاریسم (نظریه میگری) در ایران و نقش زاندارم امپریالیسم رادیکال منطقه به بعد و ظهور خلاصه ۲۵ سال حاکمیت دیکتاتور سلطنتی و پلیسی وابسته به امپریالیسم که آثار و عواقب بسیار شومی را تا سالها دراز بر جای خلفای ما و دیگر خلفای منطقه بجا گذاشته است. مهمترین عوامل این ناکامی تلخ را میتوان به شرح زیر خلاصه کرد:

عوامل خارجی:

(۱) امپریالیسم کهنه کار انگلستان، از مبارزات رفاغیانی بخش خلفای ایران رغم ناکامی و تحمل کرده بود و منافع سرشار نفتی و اقتصادی و بدستال این ملطه سیاسی او نه تنها در ایران بلکه کلاً در خاورمیانه و خلیج آسیب دیده و با توجه به الگو شدن مبارزات پیروزان در ایران، میترسید که منافع انگلیس در سراسر منطقه در معرض نابودی قرار گیرد. لذا انگلستان با استفاده از کلیه وسائل سیاسی و نظامی می کوشید آب رفته را به جوی بازگرداند و جنبش را به زانو درآورد و در این کار علاوه بر فشارهای سیاسی در سطح بین المللی با از طریق عاملان در ایران بر حکومت مصدق، نفوذ ملی شده را با یکوت کرده، در خلیج نیروی نظامی و دریایی را علیه ایران و نیز هرگزوری که ضد خیریت نفت ایران را داشت، به حال آماده باش درآورده بود.

(۲) امپریالیسم تازه نفس آمریکا می کوشید چای خالی انگلستان را پر کند و میراث خوار منافع غارتگرانه استعمارگران پیش از خود باشد. لذا ابتدا با فریب کاری و ماسک آزادی به چهره زدن و تکیه بر نیروهای سازگار داخلی و به خاطر خط سدی در برابر پیشروی کمونیسم (۱) و تا مین و گسترش منافع آمرندانه امپریالیسمی اش وارد میدان شد و در رابطه با تفادی که با امپریالیسم انگلستان بر سر تصاحب مناطق نفوذ و غارت منابع کشورهای فقیر داشت در ابتدا از حکومت مصدق در مبارزه علیه شرکت غارتگر نفت انگلیس - یمنیستایی نمود و در عین حال زمینه را فراهم میکرد که اگر از این طریق به هدف ترسیده به توطئه و کودتای نظامی نیز متوسل شود. ماسک آزادیخواهی آمریکا با توطئه های شوم ضد انقلابی همراه بود که عنداللزوم از آن استفاده کند.

امپریالیسم آمریکا سرانجام با همدستی انگلیس (و بقول آبرین: "توافق برای یافتن جانشین دکتر مصدق") و ساخت و پاخت با ارتجاع داخلی و درازان دربار، حکومت ملی مصدق را سرنگون کردند و شاه را دوباره به قدرت بازگرداندند. در این باره آنسوده تالی میسر آمریکا می نوشت: "این عملیات از اول تا آخر یک بوش آمریکا می بود... و نیویورک تا پس از ۲۱/۵/۱۹۶۱ نوشت: "در ساقط کردن حکومت دکتر مصدق، "سپا" نقش اصلی را بازی کرد."

(۱) - آیدن، نخست وزیر وقت انگلیس در کتاب خاطرات خود ص ۲۱۱ متن انگلیسی چنین می نویسد: "منظریه من آنست که او (دالین وزیر خارجه وقت آمریکا) حاضر است به کمپانیهای نفت فشار وارد کند تا به هر قیمتی است مصدق را حفظ نماید، چون به نظر او مصدق آخرین امید غرب در ایران می باشد. (نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است، از "جامی" ص ۵۹۷)

این یک پیروزی بزرگ برای امپریالیسم بود - طوریکه تا سالها بعد، آمریکا کشورهای نفت خیز را که برای نیل به حقوق عادلانه خود از شرکت ملیشان، با آمریکا مبارزه میکردند به سرنوشته نظیر سرنوشته مصدق تهدید میکرد (نمونه اش تهدید نیکسون به قذافی در سال ۷۲).

تا این ذکر است که این توطئه و کودتا در عین حال، نادرستی توهمت مصدق را نیز عیان ساخت - مدتها می پنداشت با استفاده از تفاد درون امپریا - لیستی بین آمریکا و انگلیس می تواند برای ایران، استقلال و آزادی (البته با همان مفهومی که خود از آنها داشت) را تا مین نماید.

کار خود بگذارد، مصدق علیرغم ادعای خود مبنی بر اعتماد و تکیه به نیروهای خلق، هرگز به خلق و زحمتکاران و خواستهای و سازمانهای آنان متکی نبود، این رهبری تنها تأیید سیاست خویش را از مردم می - خواست و تنها آنها را، برای تأیید سیاستهای اصلاح - طلبانه و سازشکارانه خویش بسیج می نمود. توده ها به دفعات و برجسته تر از همیشه در ۲۰ تیر ۱۳۳۱ نشان دادند که تا کجا حاضرند از حق حاکمیت ملی خویش و در دفاع از دستاوردهای مبارزات حق طلبانه خود، ایستادگی و فداکاری کنند، تا کجا حاضرند نیروی سرکوبگر ارتجاع را بهیچ گرفته، و دست خالی در مقابل

۲۸ مرداد، شکستی طبیعی،

نتایج کودتای ۲۸ مرداد: برقراری مجدد سلطه امپریالیسم بر منافع نفت و انعقاد

قرار داد کنسرسیوم، شرکت ایران در پیمان ستو، شناسایی مجدد اسرائیل، سرکوب قیام ۱۵ خرداد، بهیچ گرفتن نقش زاندارم امپریالیسم در منطقه، ۲۵ سال دیکتاتوری نظامی پلیسی.

با الگو شدن جنبش ملی نفت منافع امپریالیسم انگلستان در خاورمیانه در معرض خطر بود. در آن زمان هم چماق بدستان ارتجاع و چاقو کشان فاشیست فعال بودند.

نقش آیت الله کاشانی و روحانیون مرتجع در وقوع و تسهیل کودتا چه بود؟

در رابطه با نقش و عملکرد سیاستهای امپریالیستی انگلیس و آمریکا به این نکته باید توجه داشت که امپریالیسم انگلیس اساساً با تکیه بر روشهای کهنه استعماری و فئودالی و دیکتاتوری در حفظ منافع خود می کوشید و لذا با یکا مان در ایران عبارت بود از دربار سلطنتی (که خود ضلای فئودالی است)، اقتصاد فئودالی و بوروکراسی و فرهنگ عقب مانده مناسب آن، در صورتیکه امپریالیسم تازه نفس آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم "فشارهای حیاتی" گسترده ای را پیش روی خود می دید، با اعمال شیوه های نوین بورژوازی و تغییر بنیادهای اقتصادی و سیاسی کشورهای تحت سلطه - را - به نحوی که هماهنگ با رشد سرمایه های امپریالیستی و صدور سرمایه باشد - مناسب و بیخود خویش می دید. این است که از رتد بورژوازی کشورهای تحت سلطه و تقویت بورژوازی وابسته در آن کشورها حمایت میکرد.

تفاد انگلیس و آمریکا در آن سالها در ایران و حمایت اولیه آمریکا از بورژوازی ایران به رهبری مصدق از امل فوق مایه میگرفت بر این پایه بود که آمریکا می توانست با بیرون کردن امپریالیسم فرشت انگلیس خودجا بگزین آن شود. همینطور توصیه آمریکا دایر سر ایجاد سازمان برنا موسسات برنا مایه ییزی اقتصادی و سرانجام تبدیل فئودالیسم وابسته که در آن سالها به "انقلاب سفید" شاه عملی ساز چنان سیاستی ناشی میشود.

ضمناً برای امپریالیسم آمریکا در چهار جنبه - مبارزه ای که در سطح بین المللی با شوروی دارد - ضد کمونیستی بودن رژیم برای آمریکا اهمیت زیادی دارد - چاکه نظر آمریکا یک رژیم کمونیستی جز، بلوک شوروی قرار نگیرد و یکی دیگر از دلایل حمایت اولیه آمریکا از مصدق همین امر بود. چنین حمایتی را آمریکا در ابتدای امر از عبدالنار هم درمهر می نمود.

عوامل داخلی:

مهمترین عوامل داخلی شکست، عبارت بود از ماهیت و ترکیب نیروهای فعال آنروز (اعم از نیروهای سیاسی مترقی و نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم)، که در زیر مختصری بدانها اشاره می کنیم:

(الف) جنبش فدائیان ملیست ایران که رهبری آنرا - جنبه ملی و درازان - دکتر مصدق بهیچده داشت، فاقد یک سازماندهی انقلابی و آگاه بود. رهبری بورژوازی ملی با ماهیت سازشکارانه و اصلاح طلبانه خود، هرگز نه میخواست و نه می توانست سازماندهی خلق را در دستور

تا نگاهی ارتش ارتجاع به پیش روند. و پیروزی را از حلقوم دشمن بیرون کنند. اما رهبری بورژوازی ملی که در نتیجه قیام ها و مبارزات مردم دوباره بر سر کار برگشته بود، (سی تیر ۳۱ به بعد)، کاری به خواستهای واقعی زحمتکاران و اقتصاد و چه سیاسی نداشت و راه مصلحت جوینان و سازشکارانه خود را می رفت، مصدق فریادهای مردم را، دایر بر موعظگی قاطع علیه دربار - این لانه جاسوسی و نوکسری امپریالیسم - را نادیده می گرفت و همچنان با آن معاشات میکرد. مصدق هشدارهای مکرر حزب - حزب دایر بر هشاری در برابر توطئه کودتا - گرچه یک حزب ادعای رهبری پرولتاریا را می کند به هشدار خشک و خالی - بورژوازی ملی در مقابل توطئه های امپریالیسم اکتفا نمی کند، کاری که حزب خود می کرد - بهیچ کوشش می انداخت.

مصدق بنا به ماهیت و ظرفیت طبقاتی هرگز نتوانست از چارچوب خواستهای اصلاح طلبانه و سازشکارانه خارج شود. او حتی فشارهای را که از جانب عناصر رادیکال درون جبهه ملی و دولت، مانند دکتر حسین فاطمی شهید، در رابطه با انعقاد موقع قاطع علیه دربار و نیروهای ارتجاعی به او وارد می شد نادیده می گرفت، دکتر حسین فاطمی در باختر امروز مورخه ۲۶ مرداد ۳۲ یعنی یک روز پس از قرار شاه از ایران نوشت:

"من همیشه گفتم که حق این بود پیش از بستن کنسولگریها در شهرستانها و سفارتخانهها (انگلیس) در تهران، آن مرکز ننگ و رسوائی که انگلستان را خالق خود میداند ساخته و پرداخته شده." - آبرون ساید - انگلیس - و "ها زواران" معروف است، کوبیده شود و در بابین خانه مجری اراده اجتنابها را کل بگیرند. و مردم در تظاهرات پر شور و سراسری خود فریاد می زدند: "ما شاه نمی خواهیم، شاه فراری و اجنبی پرست باید بمیرد." - تابود باد بساط تنگین دربار پهلوی - و ...

در صورتیکه مصدق چنین تصور و برخوردی نداشت، وی در این باره، ضمن مدافعت خود در دادگاه نظامی گفت: "... تصمیم گرفتم به هیئت وزیران پیشنهاد کنم آنها تلگراف کنند و نظر امپراتور را از این مسأله (منظور همان فرار شاه از ترس مردم در ۲۵ مرداد است) بخواهند و بعضی برسانند که در تهران شایع شده است تصد استعفا دارند. چنانچه مورد تکیب باشد درخواست خود هرچه زودتر تشریف فرما شوند و از مقام سلطنت سربستی فرمایند." (ماض سابق ص ۶۱۴)

واقعاً که تفاوت خواست توده ها و عملکرد رهبری از زمین تا آسمان است. رهبری جبهه ملی به طرأهت بورژوازی و سازشکارانه اش - که قبلاً اشاره کردیم - هرگز نمی توانست به خواستهای انقلابی و دموکراتیک توده ها در باره اهمیت مبارزه با دربار این مسیبل ارتجاع و وابستگی، ارزشی قائل شود، چنانکه امروز هم رهبری کشور قادر به درک ماهیت مبارزه با امپریالیسم و نابودی سرمایه داری وابسته یعنی درک منافع اساسی توده های تحت ستم نیست (۲).

امروز همانها که سالها از مصدق عقب ترند و تا ۲۵ سال پس از ۲۸ مرداد، و یکی دوماه پیش از سقوط نهایی سلطنت در ایران، بازم از سلطنت دفاع می - کردند و اکنون یار برمج جنبش خلق، زمام امور را در دست دارند بسیار فاجعه بارتر از گذشته و سی آنکه کارنامه ای نیست آبرومند نظیر مصدق را داشته باشند به معاشات در برابر امپریالیسم و به غدیت با خواست

(۲) - اینکه این دو تن چه تفاوتی باهم دارند، و شرایط حاکمیت این با آن چه مابلی را پیش روی ما می گذارد بحثی است که در جای دیگر به آن می پردازیم

نشان دهد و هزاران تن از اعا و هواداران مدیق و مبارز حزب را به جلدان کودتای سپرد و جنبش ملی را در برابر تهاجم وحشیانه امپریالیسم و ارتجاعی حلال خود رها کرد. فاجعه آمیزتر از آن، خیانت نارهبرانی چون دکتر بهرامی و دکتر محمد زیدی است که با تسلیم عاجزانه و ذلت بار خود به رژیم کودتا بکی اعتصابی هولناکی نسبت به هر آنچه مبارزه حزبی و فکری چپا داشت در توده ها ایجاد نموده با س و بدبینی مفرطی را در اذهان اکثریت مردم بوجود آوردند که بیان روشن و هنری آنرا مثلا در شعر "نادر با اسکندر" (م. امید) می توان دید. عملکرد خا شانه رهبری حزب توده چنان طرز تلقی غلطی از یک حزب مارکسیستی کمونیستی (که حزب توده ادعا یتر را داشت) در اذهان ساده مردم با کاذب داشت که بقول رفیق شهید مسعود احمدزاده: "اگر مبارزه گسترده با روبرو نیسم در سطح جهانی و در داخل کشور در سالهای اخیر جریان نیافته بود، میرفت که به مدگمانی و بی اعتمادی نسبت به مارکسیسم، کمونیسم بیا تمامد." (نقل بمعنی)

ج) نیروی دیگری که در آزمون فعالیت عمل میگزید نیروی ارتجاع داخلی بود که ترکیبی بود از فئودالها و زمین داران بزرگ وابسته و دروازه آنها دربار، عده زیادی از رجال سیاسی و فرماندهان ارتش که بطور مستقیم به امپریالیسم، انگلستان و آمریکا وابسته بودند مانند علم، امینی، زاهدی و... و نیز برخی از روحانیون که کج زمانی خود به حمایت از مقصد قیام تاخیر می نمودند و در کنار او قرار داشتند. سرانجام تحت تاثیر منافع تنگ نظران و جاه طلبیهای طبقاتی خود و وابستگی های شان و آشکاری که با سیاستهای امپریالیستی پشت پرده داشتند در مقابل حکومت مدعی قرار گرفتند مانند آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی که پس از دوره ای همکاری با مدعی، پس از قیام سی تیر، حتی به همدستی با عناصر راست و وابسته درون جبهه ملی چون دکتر منظر بقایی و حسن مکی، به ایجاد شکاف در صفوف ملیون اکتفا نکرد، بلکه به توطئه علیه مدعی پرداختند. آنها از داشتن روابط سری با سفارت های آمریکا و انگلیس و همکاری با زاهدی (کودتای ج) و دربار هم آبا نداشته و از دست های فاشیست و فداره پند خود، شماره بعنوان چمباق سرکوب آزادیخواهان در تظاهرات ملی و ضد امپریالیستی سود می جستند و سرانجام و هم به شاه که پس از کودتای ایران برگشته بود تیریک گفتند: روحانیون دیگری هم بودند که هرگز دست از مخالفت و کارکنی نسبت به مدعی برنداشتند و همواره از موضع راست و حامی دعا فئودالها مردم را به انواع وسایل علیه حکومت ملی مدعی تحریک میکردند نظیر آیت الله بهبهانی (۵) و فلسفی (واعظ معروف) (۶) که در این اقدامات خود از حمایت آیت الله بروگردی هم بخوبی برخوردار بودند چنانکه آیت الله حاج آقا حسن قمی (مقیم مشهد) نیز مدعی را "زندقی" می نامید. باری این دسته اخیر کسانیه بودند که پیشاپیش نیروهای کودتا، به آماده کردن ذهن مردم علیه نیروهای مترقی و تپع شاه و اربابانش حرکت مینمودند. اقدامات ارتجاعی ایشان را خلقهای ستمدیده ما هرگز فراموش نخواهند کرد. ثابان ذکرات که در کنار روحانیون برجسته بودند روحانیون مبارزی که منافع زمینکشان را دردم نظیر داشتند مانند آیت الله محمد تقی خوانساری یکی از مراجع تقلید وقت، که "حکم" ملی شدن نفت را در حمایت از مدعی داد (چنانکه میدانیم "حکم" از لحاظ بقیه در صفحه ۴

ابتدا، امری که هرگز بر مبارزان آگاه مکتوم نمانده است. عملکرد این سیاست و ماهیت دنیایه روانه از ابتدا تا امروز، چه زیادهای غیرقابل جبرانی که بر جنبش ضد امپریالیستی و جنبش کارگری میهن مسوار د آورده است. سیاستی که هر اندازه هم که ما هرانه بدان رنگ و روغن بزنند جز در چهارچوب منافع "حزب برادر" و البته نه منافع توده های میهن ما نمی گنجد. (۳) وجود فراکسیونیسم و باندبازی ناشی از عدم وجود مرکزیت دموکراتیک در حزب که بطور کلی حزب را زبیمودن یک خط سالم مبتنی بر نظرات صحیح و انقلابی توده های حزبی دور می داشت و جریانات سالم و انقلابی درون حزب

های انقلابی و دموکراتیک توده ها متفولند و انقلاب را به ناکامی فاجعه آمیزتری آتمه پس از اینهمه مبارزات طولانی و خونین سوق می دهند. چیزی که در اینجا باید خاطرنشان کرد، این است که آنچه از رهبری بورژوازی ملی (لیتولر) بسیاری جنبش خلقی ما در ۲۸ مرداد ۳۲ حاصل شد و فاجعه فراموش نشدنی که ببار آمد نه امری غیر منتظره، بلکه کاملاً امری طبیعی است. رهبری جنبش ضد امپریالیستی اگر نه بدست کارگران و زمینکشان بلکه بدست بورژوازی باشد چنین عاقبتی حتمی است و "نتیج های خیر احتمالی" کوچکترین سهمی در جلوگیری از تکرار چنین فاجع تلخی نخواهد داشت.

تجربه های فراموش نشدنی

مردم: ما شاه نمی خواهیم

دکتر قاضی: باید قبل از بستن درب سفارت انگلیس، درب خانه شاه (این مجری اراده اجنبی ها) را گل بگیریم.

مصدق (در دادگاه):

(درخواست کردم اعلیحضرت) هر چه زودتر تشریف فرما شوند و از مقام سلطنت سرپرستی فرمایند.

چرا حزب توده در برابر کودتا دست از پا خطا نکرد؟

جواب را در ایورتونیسم، در عدم نمایندگی کارگران و زمینکشان و در باندبازی های درونی آن باید جست.

هرگز امکان تثبیت نظرات صحیح خود را در حزب نمی یافتند و سرانجام قربانی نظرات غلط و باندبازیهای ایورتونیستی رهبری که بالاخره به خیانت می انجامید می شدند.

ماهیت این نقاط ضعف و ماهیت نا سالم رهبری حزب زمانی آشکارتر می شود که بدانیم در زمان مدعی، حزب توده تنها سازمان و حزبی بود که اگر (اگر) چنین نبود و این موقعیتهای حیاتی آمیز را نداشت، بدون شک در برابر کودتای امپریالیستی ارتجاعی ۲۸ مرداد مقاومت میکرد و بخصوص اگر توجه کنیم که توده ها و هواداران حزب که در سراسر ایران انتظار عکس العمل انقلابی و مناسبی را از سوی حزب داشتند همگی آماده بودند که حتی به مبارزه مسلحانه دست زنند. همانطور که بعضی از کمیته های ایالات بدون دستور مرکزی فرمان مقاومت مسلحانه و به تعبیر آرزور "فرمان انقلاب" دادند. اگر این کودتای خا شانه به این آسانی (که حتی برای شاه و اربابانش هم غیر منتظره بود!) با موفقیت توام نمی شد آنچه خسارت بهار نمی آمد. رهبری حزب علیرغم آنکه بارها در تشریفات خود نسبت به وقوع کودتا هشدار های مشخص منتشر کرده، اطلاعات دقیق بدست آمده از سوی سازمان افسران حزب را دایر به طرح ریزی کودتا علیه مدعی را در اختیار دولت قرار داد بود، اما خود بنا بر دلایل مذکور در زمان وقوع کودتا کوچکترین حرکتی از خود نشان نداد و نمی توانست هم

ب) نیروی سیاسی مهم دیگر آزمون حزب توده ایران بود این حزب که طی ده سال فعالیت اولیه علنی و نیمه علنی خود، و در نتیجه خلائی که از لحاظ وجود یک تشکیلات سیاسی مترقی در آزمون وجود داشت، توانسته بود نیروهای وسیعی از کارگران و زمینکشان و روشنفکران مترقی را سازماندهی کند، تنها نیروی سازمان یافته ای بود که با پشتیبانی زمینکشان و نیروهای مترقی در سراسر کشور، و بخصوص با وجود سازمان افسران کسه مبارزان فداکاری چون شهید خسرو روزبه نیز در کنار مسئولین آن قرار داشتند می توانست نقش تعیین کننده ای در سرنگون کردن و در مقاومت علیه کودتای خا شانه و امپریالیستی ۲۸ مرداد بازی کند اما بدلیل نقطه ضعفهای اساسی که در حزب و کمیته مرکزی آن وجود داشت نه تنها از انجام این مهم عاجز ماند بلکه با خیانت فراموش نشدنی رهبران حزب چنان ضربه هولناکی به جنبش ضد امپریالیستی خلقی ما و جنبش کمونیستی ایران زد که آثار آن نه تنها حالا زایل نشده بلکه کسا سالهای نال نیز ادامه خواهد یافت.

تضعیف بنیادی حزب توده ایران به اختراعیات بودند از:

۱) وجود ایورتونیسم ریشه دار در حزب از همان آغاز فعالیت در ۱۳۲۱. ایورتونیسمی که تاکنون ادامه یافته و هرگز همراه با سرخورد مادنای از سوی حزب در رابطه با عملکردهای گذشته اش افتاء نشده است. ایورتونیسمی که در حوادث پیاپی طی ۳۷ سال عمر حزب، خود را به وضوح نشان داده و نموده های آنرا در حوادث آذربایجان (سال ۲۴ و ۲۵)، در اختلاف با قوام السلطنه و شرکت در دولت ارتجاعی و دست نشانده و در سال ۲۵ (۲)، در سرخورد چپ روانه با حکومت مدعی پیش از سی تیر ۳۱ که البته پس از "تصحیح" این خط مشی چپ روانه به دنیایه روی از مدعی و راست روی افتاد بطوریکه انتظار مقاومت مسلحانه در برابر کودتا را از دولت مدعی داشت (در با سیمیم مطلق در برابر کودتای ۲۸ مرداد و عدم تحریک عملی در برابر خطری که جنبش ضد امپریالیستی خلقی ایران را به نابودی تهدید می کرد میتوان دید. (۲). (ادامه چنین سیاست ایورتونیستی، که از ماهیت طبقاتی رهبری حزب ما به میگردد و رهبری ای که نه نماینده کارگران و زمینکشان نبود و حزبی بلکه نماینده قشری از روشنفکران لیبرال درون حزب بود - بعدها در رابطه با حاکمیت روبریونیسم بر بسیاری از احزاب کمونیست در سطح جهانی، به اردوگاه روبریونیسم پیوست که جای تحلیل آن در این مقاله نیست) ۳) تبعیت مطلق و کورکورانه از سیاست شوروی از همان

(۳) - حزب توده در برخی از تشریفات خود اظهار می دارد که گویا در رابطه با این اقدام خود و سازش و مشارکت با دولت قوام از خود "استفاد" کرده است. و رهبری ای که نه نماینده همین سیاست، در رابطه با توجیه همکاری "حزب کمونیست عراق" و امثال آن با نظامیهای بورژوازی و فاشیستی مورد تائید حزب توده است.

(۴) - "کمیته مرکزی حزب توده ایران خطای رهبری حزب را درباره کودتای ۲۸ مرداد طی قطعنامه پلنسیوم وسیع خود چنین شرح می دهد: "... پس از شروع کودتا و بروز آبیام در درک ما مهیت حوادث روز ۲۸ مرداد برای آنکه مبادا اقدامی در جهت مخالف سیاست مدعی بکنند به مدعی تلقین کردند، بدان اکتفا نمودند و به اطمینان دادن که دولت بر اوضاع مسلط است اطمینان یافتند و پس از آنکه حادثه بسط یافت و جنبه خطرناک آن آشکار تر شد و مجدداً به مدعی تلقین کردند و وقتی مدعی گفت کاری از من ساخته نیست هر کاری از دستان برمی آید

بکنید اول کار را از کار گذشته شمرند و پس دراست ۳ بعد از ظهر خواستند کاری بکنند ولی ارتباطات حزبی در اثر دستور ۲ بعد از ظهر پس از تلقین دوم به مدعی روز ۲۸ مرداد که آن نیز به اتفاقاً از گرفته شده و حاکی از توجیه به رفقای حزبی برای رفتن به خانه ها و تمیز کردن آنها از اسناد و مدارک حزبی بود عملاً فلج شده بود. در این موقع رهبری می توانست از امکانات مختلف قوا برای عمل استفاده کند ولی در اثر عدم توجه بدین امکانات هیچگونه کاری انجام نگرفت.

(گفته چراغ... صفحه ۶۲۱)
(۵) - او نه تنها در زمان مدعی با راه انداختن حوادثی نظیر نیم اسفند ۱۳۲۱ به اصطلاح برای جلوگیری از مافرت شاه به خارج و توطئه قتل مدعی بدست او با شاد در آرزور، با در توطئه گیری جهت موقعیت کودتای ۲۸ مرداد... که خیانت به خلق میثول بود بلکه در جریان اطلاعاتی راهی ۲۱ نیز مومگیری ارتجاعی خود را در دفاع از فئودالها میان ساخت و این م

را در اجتماع بزرگی که در مسجد بزرگی که در مسجد حاج سیدعزیزالله (معروف به مسجد ترکها) به دعوت بهبهانی و ده ها تن از علمای درجه اول تهران و شیرستان ها و با حضور آنان تشکیل شده بود سربازان مسلحی و اعظم چنین بیان داشت: "مگر می شود زمین مردم را به زور از آنها گرفت؟"
(۶) - شیخ محمد تقی فلسفی مرکز دست از توطئه و تحریک عناصر نا آگاه علیه حکومت ملی مدعی و نیروهای مترقی برداشت و نیز یکم از هموار کردن راه برای استیفا از بازگشت شاه در جریان کودتا غافل نماند. بعدها هم و تا امروز، همواره علیه نیروهای مترقی و مارکسیستها دست به تحریک زده است. حوادثی که طی ماههای گذشته در چند شهرستان (منجمله غرم آباد- نگاه کنید به پیکار شماره ۱۱) تحت تاثیر سخنرانیهای علیه نیروهای انقلابی و آتش زدن کتا بفرهنگیهای مترقی بدید آمدستان همدند نقش ارتجاعی و ماهیت فئودالی این واعظ فساد است.

همانگونه که در مقاله^۱ گذشته دیدیم بر خلاف نظر

بانی غیرمنکم بشمار می‌آورد که تمام لک‌هاستی که در زمینه ادبی و ادبیات جامعه، سوسیالیستی از سرمایه‌داری به ارث نیاورده و بسازا گردید می‌باشند. روضت‌رآنیک هنگامی بازگشت از سرمایه‌داری، امکان ناپایز خواهد بود که پیروزی سوسیالیسم تحکیم یافته، انضباط نوین و سوسیالیستی نژاد پیدا کرده و جامعه «لک‌هاستی» را به برآمدن کمونیسم نژاد نیکه هر گونه انگیزش محسوس را برساند تولید میان شهروده، تقابل کار فکری و جسمی ازین فرقه نشسته نخستین «نژاد زدگی» تبدیل‌نگشته، خطر بازگشت دارد.

از نقطه نظر دیا لکتیک جامعه جدید به هیچوجه نمیتواند
بآره و فوری با جامعه کنونی قطع رابطه کند. جامعه
آزاد بسیاری را با خود حمل می کند که از دید نظام های
تسلط است و این آثار نهضات به نفعی که بودند به پاسدی
طبیعی روندی که بر اساس شی و برنامه
اترک برولوتاری را و قد رتند به پیش می رود و روشن
که انحراف در سیاست کمونیستی به انحراف در و
منجر گردید و به بناچار انحطاط و سقوط آنرا مهیا
داد. به عبارت دیگر روزی نویسم بر سه رشت پدید آمدن
اضمحلال و نابودی که شانید می برکنی، مارکسیسم
مستوفانی آنرا موجب می گردد.

مهراب بیش از نسبت آنان در بین ده کل امامیست
ما برهه بازه استقامت سازگارکننده سرنگون شده علیه پنهان
پیروزیست استقامت سرنگون شده یعنی پرتلاش را به طبع بند
ده است. و هر آینه از انقلاب سخن در میان باشد و این
مفهوم را با پندارهائی فریبنده تعویض کنند (کاری که
تواند قربانان استقامت را تسلیت دوم میکند) جز اینهم نمی-
تواند باشد. " (همانجا)

چیزیکه داد افق خلق هنوز قافله ندهاند. آزان
آجاکه در علی از سیاسیام ندانسته و بنابراین مسائل
دوران گذاران نمی‌توانند بخوبی تشخیص دهند و معلول
عدم شناخت و تزلزل رفتار و قبال رویزیستم جل آسان را
به توجیه رویزیستم خروشنقی سوق می‌دهند. همچون
رفتار داد افق نبرهائی انقلابی بدست گرفته که قمرکی‌کنند
با رویزیستم یزندی در اندیشه و حالیکه اگر خوب در قس
شود کانیزم فکری و زاویه " در آنان نه برائی مارکسیسم
لنینیسم و بلکه بر زمینه فکری رویزیستی قرار دارد.

چگونه حزب توده
قضیه عضو ساواکی خود را
توجیه می کند؟

در پیکار شماره ۱۵ مجلسی دانشمراجع به ساواکی
بودن مسئول ایالتی و کاندیدای حزب توده در اصفهان
پس از انتشار این مطلب افکار گراهِ از جانب ماورودند
دستگردانشگان حزب توده، آنها را بی معمول و بنا بر
ماهیستان باز دست به توجیه مسئله زدند. در اطلاعاتی
که از جانتانان در مردم شماره ۲۹ انتشار یافته
ملاحظه شده است که وجود یک فرد ساواکی (یک فرد ۱۴) در

علاوه بر خصوصیت روحانی جامعه به این ترتیب است که
فرهنگ و دولت یکدگر برپا می‌باشد و وجود اشعه و
پولوی و اگرچه سرسخت به‌روزی و خود به‌روزی و
فئودالی - مذهبی بافت تمام حل می‌کنند و مانع از
شدن که ایدهای کمونیسم در میان طبقه و تسود
تغیر نماید .
این خصوصیات کم و بیش در طول یکدگر برپا می‌باشد
می‌مانند و یکدگر برپا می‌مانند اعلان جنگ و انقلاب
است از جهت خود کلیه مناسبات تولیدی که داشته ، کلیه
اجتماعی که بر پایه آن شکل می‌گیرند و کلیه افکار و
فکرها که از این مناسبات اجتماعی پدید می‌آیند .
می‌توان گفت که یکدگر سخت و مانع چنانچه و در تمام
های اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ، اداری و غیره
که رشد می‌کند ، استحکام می‌یابد و همزمان با

ادامه از صفحه ۸

ناخامی ها و عناصر نا سالم خربه پذیرتر و قابل نفوذتر باشد. بر همین اساس است که نفوذ "روحانی" شهرکی "ساواکی" را در تشکلاتشان بعد از یک مقدمه اندر قدمت و مصیبت های حزب گفتگی آور نمیدانند، سهل است و حتی تلویحا. دلیلی بر آبدیدگی و بیارزه جویی حزب تلقی میکنند. اما رفع "اشهام" حزب نبوده و توجیه عملکردش هنوز پایان نیافته و استدلال های (حزب نبوده ای) دیگری در دنبال است. اطلاعیه ادامه میدهد: "بویزه اگر در نظر بگیریم که در بین نامزد های برخی دیگر از احزاب و گروه ها نیز افراد مشکوکی وجود داشته اند". وجود ساواکی در حزب گفتگی آور نیست! اولاً بدلیل قدمت و آبدیدگی حزب، ثانياً بدلیل اینکه در نامزدهای احزاب دیگر نیز افراد مشکوکی وجود داشته اند!! درست است خیلی وقیقاچه است ولسی جز گردانندگان و رهبران حزب نبوده جز این انتظار نمیرود. خوب توجه کنید. وجود یک ساواکی در یک حزب مازرو آبدیده جای شکستی نیست بویژه آنکه به نامزدین نامزدهای احزاب دیگر هم افراد مشکوکی وجود داشته اند. واقعا که چنین ترهائی فقط از سران حزب نبوده قابل انتظار است. آخر ساواکی بودن و مشکوک بودن نامزدهای احزاب دیگر (کدام نامزدها؟ از کدام احزاب؟) کجایش با یک کشنده مشول ساواکی شما و حزب ساواک زده شما میتواند باشد؟ اینان بعد از ارائه این دلایل مشتمل دایر بر سبکهای و اهورا مردانی شان و آسوده گردن "وجدهای آزاده شان" برای انحراف ذهن خواننده با یک رست مسخره دولت دودرند انقلابی شان را مسود انتقاد قرار میدهند که چرا دولت-دولتی که متعقد است ساواکی ها نقش مثبتی را در انقلاب ایفا نمودند (م)- برونده ساواکی ها را روین کنند و بدین ترتیب به حزب کارگرفته و دنیا به دی که بدلیل همین کارگرفته و دنیا بدیدگی اش وجود "ساواک زده" هادر بیکرش گفتگی آور نیست، کف کشند که این موجودات به حزبشان گزند و آسیمی شراشد. ■■■

(م) - "غیرا انسانی که در ساواک پیدا کردیم بر - خوردم به اینکه در آن دستگاه هم چه نفوذهای - نارمائی و اعتراضی و اعلامیه های وجود داشته و آنها هم کاملاً متاثر بودند از این پشامد (یعنی از انقلاب) و پشامد یک انقلابی حتی در امای ساواک (و متعسا توسط ساواکی های انقلابی!!) و آن قسمت های که کار شکنه و بارموشی و تماش مستقیم با "مردم بنادیند در آنها هم پیدا شده بود". (پیام تلویزیونی - بارگان - کیهان ۵۸/۲/۵)

توطئه ارتجاع در کامیاران

دستهای از گروه توحیدی مف که چندی پیش عازم کردستان شده بود، پس از رسیدن به کامیاران، همراه با طرفداران مفتی زاده، ظاهراً ترسیده اند. این ظواهرات بر علیه عزالدین حسینی مورت گرفته است، مردم مبارز و انقلابی کامیاران بلافاصله در مقابل این توطئه چینی عکس العمل نشان داده به مرتجعین حمله می برند، در مقابل آنها از سلاح استفاده می کنند ولی با محاربه مردم روبرو شده و غلبه سلاج می گردند. بدینال این توطئه چینی گروه توحیدی مف و مفتی زاده، اوضاع در منطقه بدست و خیم شده است.

توضیح و تصحیح

در پیکار شماره ۱۳ و ۱۴ در گزارش کپکلیوبه و سوبر احمد گفته شده است که فتودانها و خانها قبل از قیام بهمن، مسلحانه به مقابله با مردم برخاستند که صحیح آن اینست: در تارک سرکوب مسلحانه مردم بودند.

همچنین در پیکار شماره ۱۴ و باز هم در گزارش کپکلیوبه و سوبر احمد از ملک حسینی رشتی کمیته بعنوان فردی از طایفه قائد گوی نام برده شده. در حالیکه شخص مزبور از طایفه سادات است.

استکار کنندگان را بلافاصله به دادگاه معرفی کنند. آری، موج عظیم حرکت با برهگان و زحمتکشان آنها را به عقب رانده بود. بدینال ظواهرات ترسیر، در شهرهای دیگری نیز از جمله سناب و اردبیل ظواهرات مشابهی مورت گرفت. که در سناب جوان ۱۸ ساله ای در جریان ظواهرات بدست افراد کمیته قتل رسید. ■

نقدی بر "طرح خود مختاری کردستان" شورای هماهنگی جمعیت های کردستان - ۳

تهیه شده توسط کمیته کردستان سا زبان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

برخورد رفرمیستی به تحقق خود مختاری

انتظور که محتوی جزوه "شورای هماهنگی..." کواه است، رفقای ما در مورد عملکردها و موقع دولت در قبال کردستان یعنی محیط فعالیت انقلابی جمعیت های کردستان، با ما متفق الفولند. اما وقتی به اینجا می رسم که با در نظر گرفتن "اوضاع کلی ایران" و عملکردهای سیستم حکومتی در برابر کل جریانات سیاسی، از این "اعمال و رفتار" نتیجه گیری نموده و تعیین کنیم که در چنین شرایطی در کردستان چه خط مشی ای را دنبال نموده و اصولا چه باید کرد؟ آری، درست در همینجا دیوار عظیم ناسیونالیسم که رفقای نویسنده ما را در چارچوب کردستان محصور ساخته است، مانع از آن می - گردد که آنها بتوانند بر دانهائی درست خود را در کردستان با تحلیل علمی از بافت اقتصادی - اجتماعی مینشانند که کردستان جریانی از آنت و کل مبارزه ای که در سطح کشور جریان دارد، پیوند داده و به دید درستی از "اوضاع کلی ایران" رسیده و با حرکت از همین دید سیاسی اوضاع کردستان را بعنوان جریانی از اوضاع کلی ایران بررسی نموده و سیاست و برنامه عمل خود را بر این مبنا قرار دهند.

اینست که نویسندگان جزوه به، ورطه رفرمیسم و تسلیم طلبی در می غلظند و خود را به ارائه طرحی، بعنوان تنها راه حل علمی و عملی مسائل و معضلات کردستان که اجرای آن در شرایط حاضر "مقدور و ممکن" است، راغسی می گردانند و "امیدواری می شوند که با همکاری و مشارکت همه نیروهای آزادیخواه و... بتوانند در راه تحقق آن مبارزه کنند و آنرا بشمر برسانند". و این به شمر رسیدن بدین گونه است که "باید" های نویسندگان جزوه خطاب به "انقلاب، قانون اساسی و دولت"، پشتوانه مادی پیدا نموده و "دولت ایران" مجبور گردد طرح خود مختاری را "قبول کرده و قانون اساسی ایران را بر مبنای قبول این حقیقت تهیه و تدوین کند". (ص ۱۶) و در ضمن آنرا "راهنمای تمام برنامه ها و سیاست های اجرایی" خود قرار دهند. بدین - ترتیب نویسندگان شورای هماهنگی جمعیت های کردستان علاوه بر اینکه:

- مابیت طبقاتی دولت، خط سیر آینده آن و ناتوانی - اش را در تحقق خود مختاری واقعی، به توده های کرد

توضیح نمی دهد. ... شرایط واقعی تحقق خود مختاری و ضرورت رهبری طبقه کارگر را شرح نمی دهد. ... اختلاف عمیقی را که در بین اشتراک اسم "خود مختاری" بین ما و نیروهای ارتجاعی، تجزیه طلب و فرصت طلبی از قماش فتودانها، قیاده موقت و حسیب دموکرات موجود است نشان نداده و خود را در حسیب عملکردهای پاره ای از نیروها و آشهم در بعضی موارد محدود می سازد. ... علاوه بر اینکه این مسائل اساسی را بدستی توضیح نمی دهد، بلکه با برخورد رفرمیستی خود این تومر را در نزد توده ها شدت می بخشد که اولاً: گویا در چارچوب سیستم حکومتی فعلی تحقق خود مختاری واقعی ممکن است. ... ثانياً: خلق کرد می تواند با تکیه بر نیروی خود در شرایطی که ما با یک انقلاب پیروزمند روبرو نیستیم مستقلاً به راهی از قید ستم ملی و... دست یابد. ثالثاً: نیروهای فرصت طلبی از قماش حزب دموکرات که نویسندگان جزوه بعد از قلم انداخته و نتوانسته اند بدان برخورد کنند، به سبب در مقام نیروهای کله می توانند در جهت تحقق واقعی خود مختاری مبارزه کنند، شناخته شوند. ... یعنی شورای هماهنگی بدون اینکه خود خواسته باشد، ذهن توده ها را نسبت به واقعیات جاری میخوش ساخته و بادت خود بر عوا فریبی های حزب دموکرات، قیاده موقت و... راه باز می کند و چنانکه در قسمت قبلی نیز گفته ایم به دنباله روی از سوروزاری و خرده - سوروزاری افتاده و بر گرایشات ناسیونالیستی که بر مافع طبقاتی زحمتکشان پرده ساطر افکنده و مبارزه ملی را از مبارزه طبقاتی جدا می کند، شدت می بخشد. گرایشات که امروز هم از سوی نیروهای ارتجاعی نامیرده و هم از سوی خرده سوروزاری و "سوروزاری ضعیف ملی" بدان دامن زده می شود و اقدامات شو - بنیستی و سرگورانه دولت در قبال طبقه کارگر ناسیونالیسم را هرچه بیشتر گرم می نماید. ما در شماره بعدی نظر خود را درباره "رهبری جنبش های ملی" و نظر نویسندگان جزوه را در این باره مورت رفرمیستی قرار خواهیم داد. ... دنباله دارد...

چرا کتاب فروشیه را میسوزانند؟

بعد از آتش زدن کتاب فروشی ۱۷ شهریور در شوش توسط ارتجاع و فد انقلاب اعلامیه افشاگرانه ای از طرف "طرفداران آزادی طبقه کارگر" - شوشتر - انتشار یافت که بخشی از آنرا در زیر ملاحظه می کنید: راستی چرا کتاب فروشی ها را می سوزانند؟ راستی چرا کاشانه های کتاب فروشی زحمتکشان هستند؟ "چه کسانی نقشان در جهل و بی خبری و از سیاست بیگانه شدن توده های خلق و در نهایت به کاشانه مخالف شرکت فعال زحمتکشان در امور مربوط به خودشان؟ پاسخ بسیار روشن است:

خواستاران اعدام گلسرخ، کاندیدای مجلس خبرگان

دکتر مهدی گلایی فرماندار تبریز و همچنین دکتر نیشابوری که از طرف برخی از جمعیت ها و گروه های احزاب اسلامی بعنوان کاندیدای مجلس خبرگان نامزد شدند دو تن از ازانند دانشگاه تبریز هستند که پای استدعا می آید که شورای دانشگاه بمناسبت با مصالح توطئه بر علیه خاندان سلطنت، به "پیشگاه مبارک" ارسال داشتند امضاء کرده اند. در این استدعا نامه اکتفا شده است که "توطئه گران به اند محاربات کثیر با بد" و همه می دانیم که "توطئه گران" کسانی جز گلسرخ و دانشان، این روزندان راستین خلق نبودند. (فتو کبی استدعا نامه شورا با امضای مهدی گلایی و نیشابوری در زیر آن در کنار امضای دیگر موجود است)

شورش...

ادامه از صفحه ۴

کمیونیتی جهت حمله را از سیستم بر مایه داری سر - گردانند. آنها همچنین توده ها را تهدید کردند که اگر از انگریزان بی محاربات نخواهد داشت، آنها بی ترانه می گفتند عده ای از دستگیر شدگان ترسیری و آذربایجانی نبودند! (آدم باد آن باوه های مجلس نشان دوران شاه می افتد که می گفتند ما ملین قیام ۲۹ بهمن ترسیر آذربایجانی نبودند و از خارج مرز آمده بودند! آنها سعی کردند با شایعه های مختلف طو اقدامات انقلابی توده ها را بگیرند و... از طرف دیگر خود کمیته جی ها ... پس از عقب نشینی در مقابل زحمتکشان شروع به فروش مستقیم میوه و غیره در محلات به مردم کردند تا به اصطلاح خود را موافق با خواستهای مردم نشان دهند. داستان انقلاب اسلامی تبریز نیز به پاسداران توحیدی ترسیر موقتاً نمایندگی داد تا گران فروشان و

خبری از کارخانه ایرانا

براه افتادند و در آتجا با مسئولین کارخانه راجع به کم بودن حق ممکن و حق خواب را صحبت کردند . که با قول مسئولین و نمایندگان کارگران مبنی بر زیاده شدن حق ممکن به سر کار خود بازگشتند . بدنبال این جریانات نمایندگان به کارگران گفتند که حق ممکن از ۳۰۰ تومان به ۵۰۰ تومان و حق خواب از ۸۰ تومان به ۱۵۰ تومان افزایش یافته است .

تا قبل از روی کار آمدن دولت بازرگان کار در کارخانه ایرانا بصورت دوشیفنی انجام میگرفت . با روی کار آمدن دولت بازرگان و انحلال تشکلات طغوسی و انتخاب نمایندگان موقت کارگران (البته انتخابات بصورت شرفیاتی انجام گرفته بود) ، نمایندگان موقت یک خواست ۱۴ ماده ای تنظیم نمودند که یکی از آنها عبارت بود از : تقلیل ساعات کار از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت با احتساب حقوق و مزایای همان ۱۲ ساعت . که مورد قبول مسئولین کارخانه قرار گرفت .

و یکی هم خواستن حق ممکن و حق خواب را بدهند . قرار شد به کارگران مثال ۳۰۰ تومان حق ممکن و ۸۰ تومان هم حق خواب را بدهند .

ولی کارگران شنیده بودند که گویا حق ممکن در بعضی کارخانه ها ۵۰۰ تومان است . زمزمه هایی در مورد کم بودن حق ممکن کارخانه شنیده میشد ، تا اینکه در تاریخ ۴/۱۰ (روزی که قبض حق ممکن و حق خواب را بدست کارگران دادند) موج اعتراضی در کارخانه بسراغ افتاد و بیشتر کارگران از کم بودن حق ممکن و حق خواب ناراضح بودند . و به این خاطر عده ای از کارگران در دسته های (۱۵-۱۰) نفری بطرف کارگری بنی

اخبار کارگری

کارگران جنرال موتورز:

«ما چهل ساعت کار در هفته را به دولت تحمیل می کنیم»

روز ۵۸/۵/۱۷ از وقتی که کارگران با به کارخانه گذاشته صحبت و بحث را حول ۴۰ ساعت کار در هفته آغاز کردند . زیرا که دولت روز قبل ۴۰ ساعت کار در هفته را تکذیب کرده بود و بر روی ۲۸ ساعت کار در هفته تاکید نموده بود . کارگران در هر جا که نمایندگان شورا را می دیدند دوش را گرفته و از او می خواستند که شورا اعلام کند که کارخانه بیش از ۴۰ ساعت در هفته کار نخواهد کرد . نمایندگان هم در پاسخ می گفتند این مسئله مربوط به کارخانه نیست و دولت مربوط است . یکی از کارگران می گفت : " بابا این دولت گذشت را درآورد اگر دولت خواست ۴۰ ساعت کار در هفته را بیش تحمیل می کنیم " کارگر دیگری می گفت : " وقتی مسئله کار به میان می آید کارگر بدبخت باید سازندگی کند " ، کارگری هم گفت : " بابا همین دیگه ، آدم این چیزا رو می بیند که میگه برنامم کمونیست ها خوبه " . اعتراضات کارگران در همین حد باقی ماند ولی بنظر میرسد که آنها تصمیم دارند در مقابل ۲۸ ساعت کار ایستادگی کنند .

جاسوسان کارفرما در جستجوی کارگران مبادار

بدنبال انتشار نشریه " پیکان " از طرف گروهی از کارگران مبارز کارخانه ایران تاسیونال تمام عوامل کارفرما (جاسوسان ، سرپرستان و) بسیج شده اند تا انتشار دهندگان این نشریه کارگری را پیدا کنند . جستجوی عاملین و مزدوران کارفرما از که اینک دولت است . آخر کارخانه ایران تاسیونال جزو " ملی " شده است . بر شدت و فاشیستی حاکم بر کارخانه افزوده است . که شاید بتوان آنرا از نتایج مفید ملی شدن به سک دولت موقت و مد در مد " انقلابی " دانست .

مبارزات پرشکوه کارگران ایران تاسیونال بر علیه آئین نامه انضباطی ضد کارگری و کمیته مستقر در کارخانه

ما آئین نامه ضد کارگری نمی خواهیم . ما خواستار اضافه حقوق هستیم . " کارگران خواستار بازگشت نماینده اخراجی خود از سندیکا شده و همه یکدیگر می گفتند : " چنانچه نماینده انتخابی ما را از سندیکا اخراج کردید بدون اینکه با ما کارگران در میان بگذارد . " فردای آنروز ساعت ۱۲ ظهر کارگران را در استودیوم ورزشی کارخانه جمع کردند و یکی از نمایندگان سندیکا و دو نفر روحانی و یکی از نمایندگان کارفرما برای ما کارگران سخن رانی کردند ، یکی از آقایان که نماینده دادستان انقلاب بود در سخنرانی گفت : " چنانچه بخواهید تلغوی برای بنیاد دارید و با اعتصاب بنیاد دارید شما را تنبیه می کنیم . مثل کارگران اهواز و آبادان . " این سخن که خودش حامی منافع سرمایه داران است فکر می کند می تواند با این صحبتی که به گمانش جلوه جنبش کارگری را بگیرد . ما کارگران دیگر گوشان از این صحبتها بر شده است . همانطور که پیراهن خودمان را در جلو کمیته مستقر در کارخانه درآوردیم و گفتیم : " کشید ما نمی ترسیم " . همانطور هم به نماینده دادستان می گوئیم : " ما کارگران ایران تاسیونال دیگر حاضر نیستیم زیر بار ظلم و زور برویم . ما دیگر نمی خواهیم مانند گذشته مثل یک برده زندگی کنیم . ما حاضر نیستیم زیر بار ظلم شما سرمایه داران که بجز استثمار انسان از انسان کار دیگری ندارید برویم و همانطور که در حرکت دیروزمان به شما نشان دادیم و در آینده هم نشان خواهیم داد . به مبارزه خود برای گرفتن حق مان و برای از بین بردن سرمایه داران زالو گفتیم مبارزه خود تا آخرین نفس ادامه خواهیم داد .

دو تاریخ ۵۸/۵/۱۶ کارگران قسمت شمال کارخانه با خواندن آئین نامه انضباطی که در حقیقت از آئین نامه دوران طغوسی هم ضد کارگری تر بود . دور هم جمع شدند . در این آئین نامه آمده است که :
۱- اگر کارگری بکساعت دیر سرکار بیاید نه تنها دو برابر جریمه میشود بلکه در پرونده اش قید میشود .
۲- چنانکه کارگری یک روز بعلت گرفتاری زندگسی نتوانست به سرکار بیاید ، دوز جریمه خواهد شد .
تنبیها دیگری نیز در نظر گرفته شده ، از جمله چنانکه کارگری بخواهد به نوبت برود حتما باید از سرپرست اجازه بگیرد و ماده های دیگری که بی نهایت ضد کارگری و به نفع سرمایه داران در این آئین نامه قید شده است .

ما کارگران غالبا ۳۰۹ ، با خواندن این آئین نامه ضد کارگری که در شش صفحه نوشته و در تابلو نصب شده بود به خشم آمده و با نیروی آهنگین تابلو را از کتفه و بدوش کشیده و با اتحاد عمیق که بین ما بود از سال ۳۰۹ به سایر قسمتها بدراه افتادیم و با شعار مرگ بر سندیکای قلابی و مرگ بر کمیته که حامی سرمایه داران است و مرگ بر ملجی ، به راهپیمایی ادامه دادیم . در بین راه کمیته مستقر در کارخانه جلوی راهپیمایی ما را گرفته و به ما حمله کرد ، چند کارگر را ما موران کمیته زیر چک و لگد گرفتند و سپس شروع به تیراندازی کردند . زخمی گشته یکی از شاهان عینی یکی از برادران کارگر زخمی میشود . یک کارگر مبارز پیراهن خود را درآورده و سینه خود را جلوی تفنگ کمیته چسبیده گرفته ، میگفت : " بکنم نمی ترسیم " . کارگران که با دیدن وضع غمگین شده بودند - به افراد کمیته حمله میکنند . افراد کمیته از کارخانه فرار میکنند و اسلحه بدست کارگران می افتد . کارگران با مشت های گره کرده فریاد می زنند : " ما سندیکای فلابی نمی خواهیم . ما کمیته ضد کارگران نمی خواهیم .

مرگ بر کمیته ضد کارگر کارخانه
مرگ بر نماینده دادستان که می خواهد با جماعت جواب خواست ما را بدهد

بازداشت وابستگان رژیم شاه توسط کارکنان شرکت سد ایران

کارگران اجازه نمیدهند سرسپردگان رژیم شاه بر سر نوشت آنان حاکم باشند

خائن بوده است و مهندس جلالی که قبلا رئیس کارخانه سیما آبیگ قزوین و از عناصر ضد کارگری و توسط کارگران از کارخانه اخراج شده بود و اکنون نماینده بنیاد طوی هستند " ایشان " در زمان شاه مفتخر به گرفتن " مدال شاه " هاشمی " شده اند . محمود مجتبی دهقان قائم مقام مدیر عامل که نماینده و حافظ منافع سرمایه داران در شرکت سد ایران می باشند . نمایندگان کارکنان شرکت در تهران جلسه ای با حضور هیئت مدیره شرکت و مقامات شرکت نفت ترتیب دادند که چون این مذاکرات نتیجه ای نداشت از این رو قرار شد هیئت مدیره به اهواز آمده و با کارگران به صحبت بنشینند . در روز سه شنبه ۱۶ مرداد ۵۸ جلسه ای در محل شرکت سد ایران با حضور کارگران و هیئت مدیره

بدنبال بسته شدن اکثر شرکت های حفاری در خوزستان و بیگاری شدن کارگران ، طبق شواهد و مدارکی که وجود دارد ، شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد که تعدادی از جاهای شرکت حفاری سد ایران را که پیمانکار شرکت نفت می باشد ، تعطیل کند .

بدین ترتیب خطر اخراج و بیگاری حدود ۲ هزار کارگر کارمند شرکت مذکور وجود دارد . بدنبال این خبر کارکنان رکت سد ایران تصمیم گرفتند نمایندگان از بین خود انتخاب و به تهران بفرستند . تا با هیئت مدیره شرکت ، اگر کنند . گفتنی است که سابق مقامات مربوطه شرکت نرخ زیارت : رئیس هیئت مدیره این شرکت کترمد رکه در ان هویدا ای معدوم وزیر کشور و همچنین سفیر سیار شاه

دستگیری سه نماینده کارکنان ایران ترمینال (خرمشهر)

بدنبال دستگیری سه تن از نمایندگان کارکنان شرکت ایران ترمینال اطلاعیه ای از جانب سندیکای این موسسه بترج ویر انتشار یافته است :
بدین وسیله به اطلاع کلیه هموطنان مبارز می رسانیم که در روز جمعه مورخه ۵۸/۵/۱۲ سه نفر از نمایندگان شرکت های حسین کبیر الهی عبدالنسی در و محمد حاضمی را به اتهام واهی و بی اساس خرابکاری و غش انقلابی بودن در رابطه بودن با جریانات انتخابیات و رای گیری حوزه مستقر بر اداره بکم دستگیری و روانه زندان نمودند آنجا که این توطئه های از پیش طرح شده و ردیانه دنبال یک سلسله عکس العمل های پاره ای عناصر مرتجع و معلوم الحال در بازه اقدامات اصولی و مترقیانه نمایندگان در ارتباط با خواستهای مسائل رفاهی که ما ۱۷۰۰ نفر زحمتکش ایران ترمینال می باشد و عاملین این نقشهای حساب شده برای ما افراد از پیش شناخته شده اند اقدام غیر انسانی و مرتجعانه این گروه را که با دستگیری و زندانی شدن و در نهایت امر موجب اعتصاب غذای نامحدود نمایندگان ما از صبح شنبه مورخه ۵۸/۵/۱۲ شده اند بدین محکوم نموده و عالانه خواستار محاکمه و مجازات عاملین و آزادی بی قید و شرط نمایندگان خود می باشیم و به آستان آمده در رابطه با این موضوع فوریت محکوم و مستولیت آن مستقیما بعد از این قطعی اعمال زور و فشار می باشد .

سندیکای کارکنان شرکت ایران ترمینال
مبارزه کارگران برای آزادی رفقایان ادامه دارد .
۵۸/۵/۱۲

تشکیل شد . ابتدا نمایندگان گزارشی داده و بعد تنسی چند از کارکنان در مورد ماهیت هیئت مدیره و وابستگی آنها به امپریالیسم آمریکا و خیانت های آنها صحبت کردند و در آخر تصمیم بر آن شد که این هیئت مدیره را در محل شرکت بازداشت کنند ، تا تکلیف شرکت و کارکنان آن که در معرض خطر بیگاری هستند تا هتمن شهرپور که با سستی قرارداد تجدید کرد و متعین شود . بدین ترتیب هیئت مدیره شرکت از روز سه شنبه در محل شرکت تحت نظر کارکنان بازداشت شده اند که البته یکی از آنها بنام مهندس جلالی از غفلت نگهبانان استفاده کرده و به تهران گریخته است . مدتی اینان در خوزستان نمایندگان کارکنان را تحت فشار قرار داد ماسکه باید این افراد را آزاد کند ولی جواب کارکنان شرکت نه بوده است . مدتی حتی کارکنان را تهدید کرده که پاساران را به شرکت میآورم و آنها را آزاد میکنم . ولی مدتی باید بدانند که اگر پاسا در راه بخواهند برای نجات این عوامل رژیم سابق اقدام کنند ، کارکنان غیور این شرکت به تمام قدرت در مقابل آنها ایستادگی خواهند کرد

شورای اسلامی جنرال موتورز طرفدار کیست؟

روز چهارشنبه هفدهم مرداد به دعوت دای از کار-
مندان، جلسهای با شرکت کارکنان و همچنین
اعضای شورای اسلامی تشکیل شد. کارکنان به طرح جدید
شورای برای تغییر و تحول در سطح مدیران و ارتقاء مقام
دهای عناصر شرکت کارگزار شد اعتراض داشتند. حاضرین
در جلسه خواستار قطع ارتباط با آمریکا و پس گرفتن اتومبیل
هایی که به مدیران داده شده و مهتر از همه کنترول
کارکنان بر نمایندگان شور بودند. لکن از آنجا که
نماینده شورا از زیر پا پاسخگویی شانه خالی میکرد و بهیتر
از کارفرما طرفداری مینمود، حاضرین بعنوان اعتراض
جلسه را ترک کردند. بعد از اتمام جلسه مدیریت کارخانه
چند نفر از کارمندان و کارگران معترض را احضار نموده
و تهدید به اخراج کرد.

تحصن کارگران قالیباف در سقز

کارگران قالیباف شرکت سها می فروش سقز که ۲۲
نفرند، به دنبال برآورده شدن خواستههایشان که مهم -
ترین آن روزمزد شدن می باشد از روز ۵/۵/۵۸ در محل
کارگاه تحصن شده اند. آنها طی اعلامیه ای از کلیه
نیروهای انقلابی تقاضای پشتیبانی نموده اند.
(مشروح خبر را در شماره آینده پیکار بخوانید)

چند خبر کوتاه از مبارزه کارگران معادن کرمان

۵۸/۵/۲۲ کارگران تونل هجک بعنوان اعتراض به
نا متناسب بودن افزایش حقوقها سر کار نمیروند، بدین
ترتیب که شرایط دوازده کارگر از افزایش دستمزد ها رعبایت
نشده در مورد کارگران با سابقه حتی کاهش مزد هم
وجود داشته است.

کرمان - ۵۸/۵/۲۲ - کارگران اشکلی سرکار نمیروند
(بنابذلال بالا) در ۵/۲۴ رئیس منطقه باب میوز سنام
اسکندری که در صد کارگر بود نش خرفی نیست از یک آخوند
پنجم انصاری برای خوابیدن انصاف کت میگردد و این
آخوند مرتجع با فریب کاری های مختلف انصاف کارگران
را شکسته است و قرار شده که دو نفر از بین این کارگران
بعنوان نماینده جهت مذاکره و رسیدن به تقاضاهای پیش
مدیر عامل بروند.

باقی : باران پیرزاده یکی از کارگران اهل بختجان بافق
در اثر ریزش کارگاه استخراج ذغال، متاعن قطع شده و در اثر
نبودن کادر پزشکی متخصص در منطقه به کرمان اعزام میشود
و در بیمارستان میمیرد. این فرد ده فرزند داشته.

ادامه از صفحه ۱۲ در هفته ای...

کسی با انهمه خیانت بقول خودش ۲۰ ساله، را آزاد میکنند؟
آیا غلبت این روشی در قضاوت را شاید در همان
معجزه لباس چیست؟

وقتی پای تعریف از خودتان و " جمهوری اسلامی "
برسد ساعتها در اینکه " برتری فقط بر اساس تفاوت "
و " هیچ تبعیضی بین عرب و عجم و سیاه و سفید نیست "
داد سخن میدهند اما علشان چطور ؟ شما بین عرب و
عجم و سیاه و سفید که هیچ، بینکتان، بین معمم و
غیر معمم، بین زحمتکش مسلمان و غیر مسلمان، بین
مبارز مسلمان و غیر مسلمان، بین شهید مسلمان و غیر
مسلمان، بین شکنجه شده مسلمان و غیر مسلمان، بین
سپاهیان و فقرای مسلمان و غیر مسلمان، بین هوطن
مسلمان و غیر مسلمان و ... و بالاخره حتی بین خائن
مسلمان و غیر مسلمان فرق و تبعیض قائلید.

آیا بهتر نیست ترک و راست، همانطور که میکوشید
در تقدس مالکیت جای هیچ شکی نیست، بگوئید:
" مساوات بی مساوات، تبعیضی مسلک ما است " ؟

هواداران و هموطنان مبارز!

کمک های مالی شما تنها منبع تأمین کننده
نیازهای مادی ما است. با کمک های مالی خود،
ما را در مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی و
ضد استعماری یاری رسانید.

حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات

ایران، تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر
آباد جنوبی سابق) در وجه موقتی آلاپوش

کلیه کارگران پیمانی تاریمی شدن از مبارزه باز نخواهند ایستاد

در تاریخ ۲۲/۲/۵۸ کارگران حمل و نقل مسجد سلیمان
(پیمانکار ۲۰ نفری) شخصی است به نام مستوفی و جز " فرا -
ماسونرها " بوده و بعد از قیام به انگلستان گریخته
است. به اعتصاب سراسری کارگران حمل و نقل - مسی -
پیوندند که بعد از چندین سخنرانی و بارها تهدید
به اخراج بالاخره در مورخه ۵/۲/۵۸ قرار بر این شد که
مدیر عامل شرکت نفت (نژیبه) تا قبل از ۵/۲/۵۸ برای
رسیدگی به کار کارگران پیمانی شرکت نفت به غورستان
خواهد آمد و کارگران هم به امید اینکه وقتی نژیبه
به غورستان بیاید خصما به کارکنان رسیدگی خواهد
کرد، اعتصاب خود را شکستند.

در تاریخ ۵/۲/۵۸ بقیه کارگران پیمانی فستهای
مستقلات - حفاظت باغبانی و ... دست به اعتصاب و
تحصن در اداره مرکزی شرکت نفت زدند و خواسته های
خود را مطرح کردند.

۱- هر چه زودتر رسمی شوند (بطور طبیعی -
مزایای مانند اضافه حقوق - تهیه مسکن و ...
را بدستال دارد).

۲- رواتی مزدور و معلوم الحالی که در گذشته
با رژیم شاه زد و بند داشتند بر کنار شوند
۳- همگی پیمانکاران شرکت نفت اخراج شده و
دست آنها از سر کارگران کوتاه شود.

۴- امل قرارداد های شرکت نفت با پیمانکاران به
دادگاه برده شود تا تقویدیندهای مسئولین
برای بالا کشیدن حق ما کارگران بر ملا شده
و ما بتوانیم حقمان را دریافت داریم.

سرانجام در مورخه ۵/۲/۵۸ توافقنامه ای بین
کارگران و رواتی شرکت نفت در منطقه مسجد سلیمان
بمعل آمده که بشرح زیر می باشد:

۱- کلیه قرارداد های شرکت نفت در آنگلجانیده
است حقوق و مزایای کارگران را پس از کسر بیمه ۷٪
از خود کارگر و ۲۰٪ از کل قرارداد کسر و بقیه را
بخود کارگر باز گردانند.

۲- لباس کار - ابزار کار - و ماشین آلات به
عهده خود شرکت نفت می باشد.

۳- حقوق خرداد و تیر ۵۸ را مطابق بر مبنای ۲
ماه فروردین و اردیبهشت ۵۸ پرداخت نمایند. آنهم
از طریق حابداری شرکت نفت، بعنوان مساعده تا
تکلیف آنها مشخص گردد.

۴- هر چه مزایا از اول فروردین ۵۸ به کارگران
مزد ارفاق شده بما کارگرانی که مشابه آنان هستیم
پرداخت گردد.

۵- روزهای پنجشنبه طبق سایر کارگران در سطح
کنور با ما رفتار شود.

۶- از کسر بیمه ۲۷٪ بکلی و شدیداً اعتراض
داریم.

۷- هیچگونه رابطه ای بین پیمانکار و سا
واسطه بین کارگران و شرکت نفت از اول فروردین ۵۸
وجود نداشته باشد. این مورد جلسه لازم و قابل اجرا
می باشد و تا رسمی شدن کارگران به قوت خود باقیست
ولی از آنجا که دولت ماهیتی ضد کارگری دارد
و نه می خواهد و نه می تواند حقوق کارگران را
تأمین و حامی زحمتکشان جامعه باشد و علاوه بر آن
حتی در روز اعتصاب رانندگان پیمانی مسجد سلیمان
دیدیم که چگونه افراد مسلح کمیتها جلو در گاراژ
شرکت نفت مسجد سلیمان مستقر شده بودند. و از سوی
دیگر آیا کارگری که سالها در خدمت شرکت نفت کار
کرده و عمر خود را تلف نموده چه بهانه ای می تواند
مانع رسمی شدنش گردد. جز پیوند ناقص عناصر مزدور
و باقیمانده در راس ادارات شرکت نفت با مقامات
عد کارگری دولت کنونی.

" بریده باد دست پیمانکاران و تمام عناصر میزدور
شرکت نفت از سر کار کارگران پیمانی -
" پیروز ساد انضاد کارگران ایستاد "

" طرفداران طبقه کارگر
مسجد سلیمان "

در حالی که کلیه کارگران پیمانی شدت بوسيله
این پیمانکاران زانو مفت استعمار می شوند، دولت
انقلابی!! به خواسته برحق کارگران پیمانی یعنی
" رسمی شدن " هیچگونه توجهی ندارد و حاضر نیست که
دست پیمانکاران کشید و زانو مفت را از سر کارگران
پیمانی، قطع کند. چرا که خملت ضد کارگريشان بسه
آنها اجازه نمی دهد و با رسمی شدن کارگران دیگر
نمی توانند هر وقت که منافع خود را در خطر دیدند
بدون هیچگونه دلیل کارگران را اخراج کنند (در مورخه
۲۲/۲/۵۸ ۱۱ نفر از کارگران پیمانی را اخراج کردند).
مسجد سلیمان دارای ۸۰۰ نفر کارگر پیمانی
وابسته به شرکت نفت است که شدت مورد ظلم و حق -
کشی از طرف پیمانکاران حيله گر و نقابا ت شرکت نفت
قرار گرفته اند. چرا که این کارگران بعد از ۲۵ سال
سابقه کار و پرداخت بیمه، روزانه ۲۷۹ ریال حقوق
می گیرند و از حداقل وسایل رفاهی مانند خانه و ...
برخوردار نیستند. پس از بارها نامه پراکنی به دولت
و مقامات شرکت نفت، کارگران مستقلات - حفاظت
تنظیمات و ... کارد به استخوان نشاند و به همین
جهت در نشستی که در تاریخ ۱۲/۱۲/۵۷ داشتند بخاطر
اعتراض علیه پیمانکاران حيله گر اعلام داشتند که از
اول فروردین از گرفتن حقوق و نیز از اجرای دستور -
المعمل شتلی پیمانکاران خودداری خواهند نمود و این
کارکنان تا اول خرداد نیز ادامه داشت. تا اینکه
صبرشان را به کمانی که می گویند صبر انقلابی داشته
باشند! نشان بدهند، ولی آنها آن مقامات گام
میشی برای آنها برداشتند ؟



بعد از چند ماه نگرفتن حقوق و چند بار مراجعه
به تهران و قسم موافقت شد که کل حقوقی را که
شرکت نفت بحساب کارگران واریز می کند، منهای ۲۲٪
به آنها پرداخت نمایند. (شرکت نفت ۶۰۷ ریال به
حساب کارگران واریز می کند) ولی در تیر ماه که
کارگران برای گرفتن همین حقوق نا چیز به حابداری
مراجعه می کنند، جواب می شنوند که باید همان ۲۷۹
ریال را دریافت کنید تا اینکه حکم رسمی شدن شما را
بدهند. در همین موقع کارگران به ختم آمده و تصمیم
گرفتند که در همان روز بوسيله اعتصاب و تحن قدرت
شان را به این کارفرمایان و مقامات شرکت نفت که در
راشان کارکنی می کنند، نشان دهند. ولی بعلت
اینکه عده ای از نمایندگان آنها از طرف پیمانکار
بولی بیشتر از ۲۷۹ ریال دریافت می کنند، در صد
بر می آیند که به هر نحوی کشته جلوی این کارکا رگسوران
بگیرند. و موفق هم شدند، ولی آخر مگر پیمانکار و
عوام مل مزدور تا کی می توانند جلوی حرکت کارگسوران
را بگیرند؟ کارگران در مورخه ۲۲/۲/۵۸ عده ای از
نمایندگان خود را به تهران و قم فرستادند (عوامل
خود فروخته ای در بین همین نمایندگان می باشند) و
بعد از کلی دوندگی و رجوع به نژیبه و امام خمینی
و ... دستور پرداخت حقوق کارگران را بدون کسر
مالیات دادند و نیز قول دادند که آنها رسمی شوند.

نان، مسکن، آزادی

در اعلامیه پس از اشاره به ۲۸ مرداد و قیام بهمن ماه چنین آمده است :

قسمتهائی از اعلامیه کمیته خوزستان بمناسبت سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان

فاجعه سینما رکس ، توطئه کثیف امپریالیسم آمریکا

دستبرد و خطر جدی قرار دارد .
بنابرین ما معتقدیم که سالگرد فاجعه سینما رکس و کودتای ننگین ۲۸ مرداد باید تبدیل به یک حرکت عمومی بر علیه امپریالیسم آمریکا شود . تنها با مبارزه قاطع و جدی بر علیه امپریالیسم ، ایجاد ایرانی آزاد و مستقل خواهد بود که ما بار دیگر با توطئه هائی این چنین شوم و جانگداز بر علیه خلقهایمان روبرو نخواهیم شد
هموطنان مبارز ، مردم مبارز آبادان !
.....

ما بهرراهی تمامی خلقهای تحت ستم میهنمان و خانوادی که هائی شیدا ، یادشیدان سینما رکس و شهدای کودتای ننگین ۲۸ مرداد را گرامی می داریم و از تمامی خلقهای انقلابی و دوستان و هواداران سازمان دعوت می کنیم که در مراسم بزرگداشت یادشیدان سینما رکس فعالانه شرکت کرده و با افشای توطئه های شوم امپریالیسم و نشان دادن مبارزه خلقهای ما در راه آزادیهای امپریالیستها و ایجاد ایرانی آزاد و مستقل است ، همچنان ادامه دارد و خلقهای ما تا نیل به پیروزی کامل از پای نخواهند نشست .

گرامی یادشیدان بخون خفته خلق !
مرگ بر امپریالیسم آمریکا طراح اصلی توطئه سینما رکس !
مستحکم تر باد صفوف متحد خلقهای ایران در مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم !

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
(کمیته خوزستان)
۱۳۵۸/۵/۲۲

تا آنجا اگر هم دولت موقت بتواند باین درخواست پاسخ مثبت دهد ، اگر چه ظاهراً عاملین این جنایت به مجازات رسیده اند اما تا زمانی که با ریشه اصلی تمامی این جنایتها و توطئه های ضد انسانی یعنی امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم آمریکا مبارزه ای قاطع نشود و بساط حاکمیت شوم و سیاه آنان از سرتاسر خاک میهن مان برچیده نشود ، ما باز هم با فاجعه هائی نظیر فاجعه سینما رکس آبادان روبرو خواهیم بود . و باز هم در گوشه و کنار میهن شاهدان خواهیم بود که فرزندان خلق بدست مزدوران آشکار و نهان امپریالیستها غارتگر کشتار جمعی بشوند . اساساً ماهیت امپریالیسم با غارتگری ، کشتار ، شکنجه ، اعدام و بی خانمان کردن توده های وسیع تحت ستم عین شده است و مجبور است برای حفظ موقعیت ضد انسانی اش پیوسته توطئه کند ، فاجعه بیافریند ، دست بکشتار جمعی بزند و حتی کشورها را ویران کند . بنابراین خواسته اساسی و هدف اصلی ما را نه تنه مبارزات عاملین جنایت بلکه برچیدن بساط شوم حاکمیت امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا ، باید تشکیل دهد . اما دولت موقت در این باره چه کرده است ؟ این دولت نه تنها تاکنون اقدام قاطعی در این جهت نکرده است بلکه بتدریج دارد جای پای امپریالیسم آمریکا را که در اثر مبارزات دلاورانه خلقهایمان بشدت متزلزل شده بود ، از نو محکم می کند . سخن از ایقادی قرارداد های نظامی با آمریکا ، بازگردانیدن جمعی مستشاران آمریکائی ، عدم لغو قرارداد نظامی ایران و آمریکا ، همکاری نزدیک با رژیم های مترجم و ضد انقلابی منطقه چون پاکستان و عمان و ... است . امپریالیسم آمریکا به جهت خلق دلاوران از در بیرون انداخته شده بود ، دارد از پنجره وارد می شود . دستاوردهای نسبی قیام قهرمانانه خلقهایمان در معرض

بعد از قیام بهمن ماه ، خانواده های شهدای سینما رکس و سایر هموطنان خواستار دستگیری ، محاکمه علنی و مجازات عاملین کثیف این جنایت و افشای عاملین اصلی آن یعنی کارشناسان آمریکائی از طرف دولت موقت بوده و هستند . مردم انتظار داشتند که دولت موقت خود پیش قدم شده و اسرار این جنایت بی شرمانه را برای توده های مردم فاش کند . اما دولت موقت نه تنها تاکنون کوچکترین قدمی در این جهت برنداشته است بلکه خانواده های داغدارشیدار را که خواستار مجازات عاملین جنایت هستند مورد اتهامات ناروا قرار میدهد .

ما ضمن اعلام پشتیبانی کامل خود از این خواسته بحق خانواده های شیدا و تمامی خلقهای ایران و ضمن اینکه صراحت می خواهم که باین خواست برحق پاسخ مثبت داده شود ، اما در عین حال معتقدیم که :
اولاً دولت موقت انتظار این ساله را داشتن که بتواند سبب اصلی این جنایت را افشا و محاکمه و مجازات کند امری بیپایه است . چون دولتی که در طول ۶ ماه بعد از قیام بهمن ماه هیچگونه اقدام قاطعی در جهت نابودی حاکمیت امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم آمریکا کسب اصلی این جنایت است ، نکرده است ، دولتی که خود صحنه گردان فاجعه هائی برضایت جانگداز تر از فاجعه سینما رکس در نرده ، گنبد ، خرمشهر ، سنجندج و ... بوده است ، دولتی که عاملین فقر و تیره روی و کشتار و شکنجه توده های محروم و انقلابیون ایران رادسته دست از زندانهای آزاد می کند و بجای آن زندانها را از پاک ترین انقلابیون این مرز و بوم چون محمد رضا سعادت جادشیمانی ، رهبران اعصاب قهرمانانه صنعت نفت و ... بر می کند ، مسلماً نخواهد توانست باین خواست انقلابی پاسخ مثبت دهد .

در هفته ای که گذشت

ضد امپریالیسم یا ضد کمونیسم

روز قدس ، یاد دیگر شاهد یکی از غمناک ترین راهپیمائی های بودیم که تنها می توان آنرا را راهپیمائی روزهای شاموعا ، و غمناکی سال گذشته مقایسه نمود . موج جمعیت همچون رود غمناکی از گوشه و کنار تهران بسمت دانشگاه سرازیر میشد ، دریا آتجا بود ، دریا جمعیت .
توده های میلیونی یاد دیگر غم و نفرت خود را به امپریالیسم آمریکا و مهبومینم بگوشت جهان رسانیدند . ظاهراً روز قدس نشان داد که علیرغم تمایل دولت در به فراوانی سپردن امپریالیسم آمریکا به مشابه دشمن اصلی خلقهای جهان ، مردم همچنان آکنده از نفرت نسبت به امپریالیستها و مهبومینمها بوده و خواهان نابودی آنها هستند .

گرچه شعارهایی که داده میشد عمدتاً متوجه این دوشنبه های اهریمنی بود ، لکن عده ای معلول الحال با طرح شعارهای غیر اصولی سعی بر آن داشتند تا لبه تیز حلات خلق به امپریالیسم را ، منحرف نموده و شورش انقلابی مردم را در جهات انحرافی و ضد انقلابی به هرز برند ، که خوشبختانه در بسیاری موارد کارگر نمی افتاد .

اینان که از هر فرصتی برای حمله به کمونیستها و نیروهای انقلابی استفاده می کنند ، این بار نیز چنین کردند . اینان با قرار دادن کمونیستها ، این سر سخت ترین دشمنان استشار و امپریالیسم ، در کنار امپریالیسم ، خود ، آگاه و نا آگاه در کنار امپریالیستها قرار می گیرند .

خترانی آیت الله طالقانی در پایان مراسم قدس و قبل از نماز جمعه ، اگرچه حاوی بسیاری نکات ارزنده و مفید نیز بود ، لکن روش دوهلوی ایشان در برخورد به مسائل جاری کشور ، بخوبی میتوانست مورد استفاده و سوء استفاده آن عناصر مرتجع قرار گیرد

سرنخ ، آن بالاهاست

سرنجام ساعت ۴ با مداروز بکشنه ، کمیته سفارت در سفارت آمریکا ، بوسله سپاه پاسداران و مأموران کمیته مرکزی " خلق سلاخ " شد و اعضای آن " بارت " در آمدند . این کمیته که فردی با سوابق مشکوک بنام " ما تا الله کاشانی " معروف به " ما تا الله قصاب " ظاهراً در رأس قرار داشت ، عمده ترین کارش جلاظت از اسناد و مدارک موجود در سفارت آمریکا و همچنین شکار انقلابیون و در حقیقت خدمت به ضد انقلاب بود . این کمیته همزمان با قیام بهمن ماه و پس از هجوم مردم مبارز به سفارت آمریکا ، تشکیل شد . وظیفه این کمیته در واقع حفظ و حراست از این لانه جاسوسی و اسناد و مدارک موجود در آنجا بود . پایگاهی که نه تنها علیه خلقهای ایران ، بلکه با وجود سیرانیسی همچون رجبزاده طهم (رئیس سابق سیا) و ویلیام سولیمان (جلا دخل لا ثوس) کانون جاسوسی و توطئه علیه همه خلقهای منطقه بود . لکن کمیته سفارت علیرغم فریاد اعتراض نیروهای مترقی همچنان بر قرار ماند . در مقابل ، هیئت حاکمه تنها باین گفته که کمیته سفارت زیر نظر کمیته مرکزی امام نیست ، قناعت میکرد ! آری اکنون دیگر پس از قریب هفت ماه " وظیفه " این کمیته سپایان رسیده بود . اسناد جاسوسی سیا و ... که افشا آنها لزوم ممبری برای انقلاب ایران و خلقهای منطقه داشت ، به نقاط " امن " منتقل شده بود . لکن آنچه که هنوز در برده ابهام باقی مانده است ، آن دستهای قدرتمندی است که از پشت صحنه توطئه های شوم خود را یکی پس از دیگری به اجرا می گذارد .

اینکه هنوز ۲۴ ساعت از دستگیری افراد این کمیته مرسوم نگذشته هنگی آزاد می شوند ، تا شاید دیگری است بر اینگونه اینگونه مراکز ضد انقلاب از تکیه گاههای نیرومندی در آن بالاها برخوردار است . آری ، بیگمان سرنخ توطئه چینی ها را می بایست در درون هیئت حاکمه جستجو نمود . آنچه مسلم است ، کمیته سفارت آمریکا ابزاری بوده دست انداز انقلاب ، و تنها می توانست شما را بگر گوشه ناچیزی از عمق توطئه های ارتجاع باشد .

که جز به تثبیت سرمایه داری و منافع انحصارطلبانه خود به هیچ چیز دیگری نمی اندیشد ، (همانطور که شاکنون نیز قرار گرفته ، همانطور که قطب زاده ها برای توجیه ایده های ارتجاعی خود به سخنان آیت الله اشاره می کنند و ...)
بدین ترتیب معلوم میشود که نماز جمعه کجمنی کلاما سیاسی است در خدمت یک کثانی قرار گرفته است .

اندر معجزه لباس ...!

کیهان ۲۲ مرداد خبر می داد که " دکتر عباس مهاجرانی روحانی نمای وابسته به رژیم مغفور و مدیر کل به اصطلاح سپاه دین در رژیم طاغوت در دادگاه انقلاب ویژه معصین (۱۹) قلم محکوم شد " از جمله اشعار مات و " کوشش در سرنگ کردن دین برای به پیکار بردن سرمایه های مادی و معنوی ملت " شناخته شده است . اما مجازات او :
۱ - خلق لباس (عجب مجازات سختی ! خدا به فرسادش برسد !)
۲ - ۸ سال زندان (که با توجه به فرمان امام از زندان آزاد شد)
۳ - سپردن وثیقه برای تعهد پرداخت معادل کلاه - بردارهایی که کرده و بعداً روشن خواهد شد
۴ - " عدم اعطای حقوق بازنشستگی " و یکی دو مورد شبیه این .
آقایان ! آیا این همان " عدل اسلامی " است که اینهمه نوبش را به مردم دادید ؟ یک فرد خود فروخته (آنیم بنا به اعتراف و قبحانته خود در حضور مرحوم آیت الله مطهری در سال ۱۳۴۰ در مدرسه مروتی) که قریب ۲۰ سال با رژیم خونخوار شاه همکاری داشته و قدردان توده های نا آگاه و ساده دل را - بفتح سنگمیران و دشمنان زحمتکشان قریب داده تنها به خلق لباس " محکوم " می شود .

شما سرباز نا آگاه و بیچاره ای را که صرفاً به دستور فرماندهان خائن خود بسوی مردم شلیک کرده به جوخه اعدام می سپارید و با هر شمشیری که میلان بود افرادی را پس از دوساعت " محاکمه " اعدام می کنید (خوزستان) ، کاری که با هیچ معیار عادلانه ای جور در نمی آید (مگر با معیارهای فاشیستی) ، چگونه بقیه در صفحه ۱۱

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر